

تایید حکم اعدام برای سلیم صابرنیا و عبدالله قادری

دادگاه انقلاب تبریز پرونده سلیم صابرنیا و مصطفی قادری را مورد تجدید نظر قرار داده و حکم اعدام برای آنها را تأیید کرده است. صابرنیا و قادری از اعضای کومه له هستند که اواخر سال گذشته در منطقه کردستان بازداشت شده اند. صابرنیا ۳۰ سال و قادری ۲۸ سال دارد.

سازمان عفویین المللی با انتشار نامه ای از همه حامیان حقوق بشر خواسته است که با ارسال نامه به مقامات ایرانی علیه صدور این حکم اعتراض کنند و خواهان تضمین رفتار انسانی با آنان شوند.

ما صدور حکم اعدام برای سلیم صابرنیا و مصطفی قادری را محکوم می کنیم و همبستگی با این قربانیان ترور و اختناق حاکم بر ایران و حمایت از درخواست عفویین المللی را یک وظیفه انسانی می شناسیم. در محیط کار و زندگی همگان را از تصمیم رژیم حاکم بر ایران برای قتل این دو مطلع کنیم و اقدام برای اعتراض علیه آن را طلب نماییم.

اعضای اوپک به توافق رسیدند

- سقف تولید اوپک ۹۵۰ هزار بشکه در روز افزایش یافت
- سهمیه ایران به ۳/۶ میلیون بشکه در روز رسید

وزیران نفت ۱۲ کشور عضو اوپک در اوائل مهرماه بقصد چاره جویی برای وضع آشفته بازار نفت در ژنو گرد هم آمدند. پیش از آن قیمت نفت در بازارهای جهانی شدت سقوط کرده بود و بدین خاطر کشورهای عضو اوپک در سه ماه گذشته در مجموع ۳۰ میلیارد دلار ضرر کرده بودند. قیمت نفت از رقم تعیین شده بشکه ای ۲۱ دلار فاصله زیادی داشت. نفت سبک ایران که در سپتامبر سال گذشته ۱۹/۳۵ دلار معامله می شد، در سپتامبر امسال به مقدار ۱۴ دلار فروش رفت. پیش بینی می شد که در صورت تداوم این وضع قیمت نفت حتی از ۱۰ دلار نیز کمتر شود. علت کاهش قیمت نفت در ماههای اخیر به هم خوردن تناسب عرضه و تقاضا در بازار بین المللی بود. بحران و کاهش رشد اقتصادی کشورهای بزرگ صنعتی تقاضا را به میزان قابل توجهی کاهش داد.

افزایش تولید نفت شمال در حد رقم بنیاسبق ۵ میلیون بشکه در روز و بالا رفتن میزان صادرات جمهوریهای سابق شوروی در اثر کاهش مصرف داخلی ناشی از بحران اقتصادی از طرفی و تخطی بعضی از اعضا اوپک از جمله ایران، کویت و نیجریه در رعایت سهمیه های تعیین شده فروش، عرضه نفت را به مقدار زیادی بالا برد. هدف اجلاس مهرماه اوپک، بررسی وضع بازار و علل سقوط قیمت نفت و براساس آن تعیین یک سقف تولید جدید مناسب و تعیین سهمیه بندی مجدد کشورها بود. میزان تولید واقعی اوپک در آستانه برگزاری اجلاس ۲۴/۳ میلیون بشکه یعنی ۷۰۰ هزار بشکه بیشتر از سقف تولید رسمی بود. کشورهای کویت، نیجریه و ایران که مصوبات پیشین را رعایت نمی کردند هر کدام تعیین سهمیه جدیدی برای خود را از جانب اوپک می طلبیدند. کویت بجای ۱/۶ میلیون بشکه، سهمیه ۲/۱۶ میلیونی درخواست می کرد تا بتواند سهمیه ای معادل امارت عربی متحده داشته باشد. ایران حداقل خواهان افزایش ۱۶ هزار بشکه به سهمیه اش بود و نیجریه هم وضعی مشابه داشت.

دیگر کشورهای عضو اوپک در ادامه در صفحه ۲

دهها هزار نفر در زلزله هندوستان کشته شدند

مجرور و اجساد کشته شدگان از زیر آوار و گمگم رسانی به مردم آواره، به منطقه اعزام کرد. دولت هند در پیگیری سیاستی که معمولاً در هنگام فجایع طبیعی در پیش می گیرد، به گروههای امداد خارجی اجازه حضور در منطقه آسیب دیده را نمی دهد. اما شدت فاجعه اخیر به حدی بوده است که دهلی نوبر خلاف معمول، خواهان اعطای

هشتم مهرماه به وقت محلی روی داد. در حالی که بسیاری از مردم روستاهای پیرامون شهر کیلاری در خواب بودند، زلزله خانه های سنگی این مناطق روستایی را درهم کوبید و دهها هزار نفر را زیر آوار سنگین مدفون کرد. شدت زلزله هشتم مهر، روی محور ریشتر ۶/۴ درجه اعلام شد. بر اثر این زمین لرزه، چندین روستا با خاک یکسان شدند.

ارتش هند بلافاصله هزاران سرباز را برای جستجوی افراد

بر اثر دوزلزله پیاپی در روزهای پنجشنبه و جمعه هشتم و نهم مهرماه، ایالت ماها راتشرا واقع در جنوب غربی هند محتمل بزرگترین فاجعه زمین لرزه در هندوستان طی پنجاه سال اخیر شد. آخرین آمار از شمار قربانیان زمین لرزه هند حاکی است بیش از سی هزار نفر از مردم ماها راتشرا جان خود را از دست داده اند. زمین لرزه اصلی که یک زلزله خفیف تر را در پی داشت، در ساعت ۳ و ۵ دقیقه صبح پنجشنبه

ادامه در صفحه ۱۰



عملیات تروریستی علیه مجاهدین در خاک عراق

در هفته های اخیر روزنامه های وابسته به حکومت بویژه روزنامه کیهان از حملات و ترورهای خبر می دهند که بنا به نوشته آنها از سوی "معارضین عراقی" یا "نیروهای مردمی عراق" علیه اعضاء و امکانات سازمان مجاهدین خلق در داخل خاک عراق صورت می گیرد. گفته می شود در اثر این حملات تاکنون تعدادی از افراد مجاهدین کشته یا زخمی شده اند و برخی امکانات تدارکاتی یا تسلیحاتی آنها از بین رفته است.

روزنامه کیهان در آخرین خبری که در شماره ۱۳ مهرماه خود چاپ کرده است، نوشته است "نیروهای مردمی عراق مرکز اصلی تدارکات منافقین در بغداد را با استفاده از موشک آرپی جی به آتش کشیدند." کیهان از قول خبرگزاری جمهوری اسلامی نوشته است: "این انبار تدارکاتی در حاشیه اتوبان محمد قاسم و در نزدیکی مقر مرکزی منافقین در میدان اندلس بغداد قرار دارد." خبرگزاری جمهوری اسلامی منبع این خبر خود را "یک منبع موثق در بغداد" اعلام کرده

است. چند روز پیش از آن نیز کیهان در شماره ۴ مهرماه خود در ستون اخبار ویژه با استناد به "برخی گزارشهای واصله از منابع معارضین عراقی" نوشته بود: "در تاریخ ۱۶/۶/۷۲ یک دستگاه خودرو استیشن لند کروز متعلق به منافقین که در جاده رمادی به طرف بغداد در حرکت بود، توسط معارض عراقی منفجر و منهدم گردید و سه سرنشین آن به هلاکت رسیدند." در ادامه همین خبر روزنامه کیهان آمده بود: "در اواخر مرداد ماه گذشته نیز یکی از مراکز منافقین مورد حمله معارضین قرار گرفت که منجر به کشته و زخمی شدن ۱۸ تن از منافقین گردید."

ادامه در صفحه ۲

نیروهای انتظامی پیش از پیش تقویت میشوند

- نیروی انتظامی تحت فرمان مستقیم وزارت کشور قرار گرفت
- نیروهای مسلح به سرکوب شدید تر "ضد انقلاب" فراخوانده شدند

با توافق علی خامنه ای، رهبر جمهوری اسلامی نیروهای انتظامی بطور مستقیم تحت فرمان وزارت کشور قرار گرفتند. در نامه ای که محمد بشارتی وزیر کشور بدین مناسبت به خامنه ای نوشته است، به "مشوریت خطیر وزارت کشور در خصوص برقراری حفظ امنیت عمومی" اشاره شده و از خامنه ای درخواست شده "اختیارات فرماندهی معظم کل قوا در امور نیروی انتظامی را طبق روال گذشته، بجز مواردی که تاکنون استثناء

روزنامه های ایران، هیچ گونه توضیحی در مورد علت این تصمیم گیری داده نشده است. اما نشانه ها حاکی از آن است که جمهوری اسلامی تصمیم گرفته، نیروهای انتظامی را به صورت فعالتر و آشکارتری به میدان آورد. علی محمد بشارتی وزیر کشور در سخنرانی های متعددی که پس از بدست گرفتن مسئولیت نیروی انتظامی انجام داد، از آنان خواست که بر فعالیت خویفزا بیایند. بشارتی در مراسم معارفه بعنوان جانشین فرمانده کل قوا در نیروی انتظامی، خطاب به مسئولان انتظامی کشور گفت: "من ایجاد دو عنصر مهم نظم و امنیت در جامعه را از نیروی انتظامی خواستارم" وی خطاب به فرماندهان گفت: "از تمام امکانات برای آرامش و آسایش مردم استفاده کنید و کمبود امکانات و نیرو را من جبران خواهم کرد." گفته می شود در جهت اجرای این سیاست پرسنل نیروهای

ادامه در صفحه ۳

روزنامه ها همچنان تحت فشارند

فشارهای پنهان و آشکار بر دو روزنامه صبح تهران بطور مداوم ادامه یافته است. پس از تعطیلی ماهنامه "همشهری توسط وزارت ارشاد، روزنامه همشهری نیز تحت فشارهای بیشتری قرار گرفته است. روزنامه "همشهری هر چند مدافع دولت رفسنجانی است و فاقد مواضع انتقادی سیاسی می باشد، اما به دلیل "مسئوبی جریان تهاجم فرهنگی و مواضعی که حزب الله آنرا لیبرالی می داند، مورد اعتراض است. روزنامه کیهان سردمدار تهاجم به همشهری است و با انتشار اخبار تحریک کننده، میکوشد اذهان عمومی را علیه آن بشویند. چماقداران مطبوعاتی کیفیت بالای

ادامه در صفحه ۳

سرکوب و کشتار بنام دموکراسی

در برابر دوربین های تلویزیونی که حوادث مسکورا لحظه به لحظه در مقابل چشم میلیونها بیننده در سراسر جهان قرار می دادند، بوریس یلتسین رئیس جمهور روسیه با حمایت یکپارچه و بیدریغ دولتهای غربی، مخالفین خود را بنام دموکراسی سرکوب و کشتار کرد و حرکت نهایی بسوی استقرار یک دیکتاتور تمام عیار را آغاز نمود.

یلتسین در بحران سیاسی اخیر روسیه با اعمال قهر و تکیه بر نیروی نظامی بر مخالفین خود پیروز شد. او پارلمان را منحل کرد و ساختمان آن را به توپ بست، احزاب مخالف را موقتاً غیر قانونی اعلام نمود، انتشار تعدادی از روزنامه ها از جمله "پراودا" را بحالت تعلیق در آورد، روسکوی و خاسبولوف را زندان انداخت و قدرت را هر چه بیشتر در دست خود متمرکز نمود. یلتسین با کوه تازی خود علیه پارلمان و مخالفت لجوجانه با درخواست پارلمان و نمایندگان مناطق مبنی بر برگزاری همزمان انتخابات پارلمان و انتخابات ریاست جمهوری، زمینه را برای درگیری قهرآمیز و کشتار مردم فراهم آورد. او از فرصت های مساعدی که برای مذاکره و حل مسالمت آمیز موضوع پیش آمده بود، استفاده نکرد و عاقدانه جریان امور را بسوی اعمال قهر و خشونت سوق داد.

توازن قوا را بنام تفعیل هیچکدام از طرفین درگیری نبود و در این میان ارتش نقش تعیین کننده پیدا کرد. ارتش در هر طرف که قرار میگرفت کفه بسودا سنگینی میکرد. ارتش ابتدا اعلام بیطرفی کرد. ولی حمایت یکپارچه غرب از یلتسین موجب شد که ارتش از دودلی در بیاید و در جانب او قرار گیرد. یلتسین بدست ارتش روسیه مخالفین سیاسی خود را سرکوب کرد.

در ابتدا یلتسین بسود خود می دید که نیروهای مخالف را بدون توسل بزور کنار بزند چرا که در سطح بین المللی و ملی میتوانست فریبکارانه و انمود سازد خواهان حل قهرآمیز مسئله قدرت نیست. اما زمانی که اوضاع را مساعد دید، حمله هواداران پارلمان به شهرداری و ساختمان راد یووتلویزیون را دستاویز قرارداد و فرمان به توب بستن پارلمان و کشتار مردم را صادر نمود. او با این اقدام نشان داد که دست کمی از هم نسخ های دیکتاتور خود ندارد و برای حفظ قدرت حاضر است به هر جنایت و کشتاری دست بزند.

در این جریان روسکوی و هواداران پارلمان درایت سیاسی و برخورد سنجیده و مسئولانه ای از خود نشان ندادند. نقطه قدرت آنها تکیه بر قانون و دفاع از قانونیت بود. ولی حمله به شهرداری و ساختمان راد یووتلویزیون و توسل به قهر مغایر با قانون بود و بهانه بدست یلتسین داد. او از این فرصت بیشترین بهره را گرفت.

در این میان برخورد غرب قابل تعمق بود. غرب تا حد دخالت مستقیم و آشکار در کشمکش های درونی روسیه پیش رفت و بر روند های درونی آن کشور بطور جدی تاثیر گذاشت. دولت های غربی و شبکه های خبری وابسته به آنها از ابتدا به طرز قاطعی مطلقاً از یلتسین برخاستند و بر کوتای او علیه پارلمان صحه گذاشتند. اکنون به خوبی روشن شده

ادامه در صفحه ۲

در این شماره

- باردیگر از باورها در صفحه ۷
- اتهامات معجول و فتوای قتل در صفحه ۸
- اوضاع اقتصادی ایران
- از نگاه شرکای آلمانی جمهوری اسلامی در صفحه ۹

یادداشت
تامین آزادیهای سیاسی،
نخستین شرط امر توسعه

چگونگی و راه های توسعه کشور و غلبه بر عقب ماندگی های روز افزون، بحث های فراوانی را در میان نیروهای سیاسی و کارشناسان اقتصادی و اجتماعی بوجود آورده است. دامنه این بحث ها مدتی است که به درون حکومت اسلامی نیز کشیده شده است و جناح های مختلف نظر گاه های متفاوتی را مطرح می کنند. درباره ای از محافل حکومتی که حول رئیس جمهور گرد آمده اند، این نظر قوت بیشتری می گیرد که راه نجات جمهوری اسلامی، غلبه بر بحران اقتصادی و توسعه کشور است. در عرصه اقتصادی راه حل مورد نظر همان توسعه های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول است که بعنوان سیاست تعدیل اقتصادی ارائه شده و در حال اجرا است.

نکته قابل توجه در این مباحث رابطه بین ساختار سیاسی و اقتصادی و به بیان دیگر رابطه توسعه با آزادی های سیاسی است. آیا می توان بدون تامین آزادی های سیاسی به رشد اقتصادی دست یافت؟ رفسنجانی در دوره اول ریاست جمهوری اش برای پیشبرد برنامه تعدیل اقتصادی اندکی از فشارهای اجتماعی بر مردم کاست و روزه ای در عرصه مطبوعات برای فعالیت روشنفکران کشود. اما با فروپاشی اتحاد شوروی و شکست مشی گاربا چن دینوسازی این کشور، رشد حرکات اعتراضی مردم و پویای شورش مردم در سه شهر مشهد، شیراز و اراک این فکر را در ذهن یگانوش قوت گرفت که فرم همزمان در اقتصاد و سیاست فاجعه آفرین است و تامین آزادی های سیاسی در کشور می تواند به سرنگونی جمهوری اسلامی منجر شود. طرفداری از دولت اقتدار ملی یعنی دولتی که با اتکا به دیکتاتوری که اصلاحات اقتصادی را انجام دهد، قوت گرفت. روزنامه سلام در مطلبی تحت عنوان "کدام الگو برای توسعه؟" به این موضوع اشاره کرد. سلام نوشته است که در برخی مراکز مهم تصمیم گیری این موضوع مورد توجه قرار گرفته است، در این مراکز با توجه به دو الگوی خصوصی سازی و تعدیل در چرخش شوروی سابق و فروپاشی شوروی گرایشی به مدل چینی توسعه یعنی اصلاحات اقتصادی منتهای آزادی های سیاسی تقویت شده است. طرفداران این سیاست مدعی هستند که چنین مدلی با ساختار سیاسی جامعه ما تطابق بیشتری دارد.

صاحبان این دیدگاه معتقدند که جامعه توان و کشتن پذیرش همزمان اصلاحات اقتصادی و آزادی های سیاسی را ندارد و موجب می شود که اصلاحات اقتصادی شکست بخورد و به نتیجه موفقیت آمیز نیانجامد. نسخه بیجان این نظر بر آنند که تعدیل باعث می شود که فقر و فلاکت در بین قشر وسیعی از جامعه تشدید شود و باز کردن سیاسی شدت گرفتن انتقادات و حرکات اعتراضی مردم منجر خواهد شد و لذا راه اصلاحات بسته خواهد شد. آنها معتقدند که بعد از رسیدن به رفاه اقتصادی باید به تدریج فضای سیاسی را باز کرد و بقول "بصورت قطره چکان و آنهم از بالا شاهد آزادی را به حلقوم مردم ریخت. برخی از هواداران این تفکر اعتقاد دارند که حتی در شرایط مذکور نیز نیاید اجازه تشکیل سازمانها و تشکلهای مستقل را داد. احزاب، سندیکاها و سایر نهاد های دولتی تنها توسط خود دولت بصورت کاملاً کنترل شده تاسیس گردد.

لیکن این بحث ها آنجا که با واقعیت ها و شرایط موجود جامعه ایران سروکار دارد، بوی بی معنی است. بحث ها و سیاستهای ناظر بر توسعه قبل از هر چیز باید این مسئله را حل کند که چگونه می توان امکانات ملی و بین المللی را - که یک کشوری می تواند در اختیار داشته باشد - به فعل در آورده و به خدمت توسعه و ترقی کشور در آورد. مشکل اصلی کشور ما این است که با سیاستهای فعلی حاصل کم بر آن استفاده از امکانات ملی و بین المللی محروم است و تا زمانی که در سیاستهای داخلی و خارجی کشور تغییرات اساسی ایجاد نشود، کشور ما حتی فاقد امکانات ضروری برای حل مشکلات روز خویش است چه رسد به آنکه فکری برای فردای خویش بکند. با بستن دهان مردم، سرکوب آزادیهای سیاسی، محروم ساختن میلیونها متخصص و دانش آموخته ایرانی از بازگشت آزادانه به میهن، تحقیر سالاران و متخصصان قلیلی که در کشور مانده اند، به جالش خواندن جهان خارج بنا به تمایلات ایدئولوژیک و... ایران به تنها جایی که می تواند برسد تا کجا آباد فقر و فلاکت و قرار گرفتن در ردیف محروم ترین کشورهای جهان است.

تجربه چین هم قبل از هر چیز همین را تأیید می کند. چین موفقیت خود را مدیون آنست که امکانات ملی خود را تماماً در اختیار داشت و برای در اختیار گرفتن امکانات بین المللی شروع به تغییر و تصحیح سیاستهای بیرون مرزی خود کرد. چین هیچگاه روشنفکران و متخصصان کشور را از خود نرانده بود. آن شکافی که امروز میان مردم و حکومت در کشور ما وجود دارد هیچگاه در چین وجود نداشت. رفهمادر چین در هر گام پیشرفت خود پاسخگوئی منافع اقشار وسیع مردم بود و نتایج سودمند رفهمار روز بروز بیشتر بسود تحکیم همبستگی ملی عمل کرده و راه ترقی و پیشرفت را هر چه بیشتر بارز می کرد. آیا در کشور ما هم وضع چنین است؟ بنا بر این در کشور ما نخستین شرط برای تامین اراده واحد و بسیج همه امکانات لازم جهت پیشبرد امر توسعه، غلبه بر آن شکاف ها و اجرا احتیاج عمیقی است که جامعه دچار آنست. با دیکتاتوری نمی توان برای این معضلات فایده مند آمد. این معضلات خود محصول دیکتاتوری خشونت بار و خونین هیات حاکمه جمهوری اسلامی است. تنها راه غلبه بر این وضع، تامین آزادی های اساسی مردم است تا راه تفاهم و همکاری برای حل مشکلات کشور در مقیاس ملی و بین المللی هموار گردد.

با کمکهای مالی خود
مارا یاری رسانید

سرکوب و کشتار بنام دموکراسی

ادامه از صفحه ۱

است که حمایت های غرب و وعده وعید های آن پشتوانه اساسی یلتسین در سرکوب مخالفین بوده است.

غزب که خود را متادی پارلمان تارسیم میداند و آنرا جزو ارزش های اساسی خود می شمارد، انحلال پارلمان توسط یلتسین را نه تنها ضد دموکراسی و مستبدانه ندانست بلکه آنرا امری ضروری و سود مکرراسی بحساب آورد. آنها حرکت اعتراضی هواداران پارلمان را کودتا عنوان گذاشتند و کشتار وسیع مردم بدستور یلتسین و به توپ بستن پارلمان را دموکراسی نامیدند. غرب فریبکارانه عنوان نموده که پارلمان روسیه بطور آزاد انتخاب نشده و باز مانده رژیم سابق بوده و یلتسین منتخب مردم است.

غرب چند سال پیش در جریان سرکوب حرکت اعتراضی دانشجویان در میدان تین امین، علیه دولت چین به اقدامات وسیعی دست یازید و دولت پکن را بحق بخاطر کشتار مردم و سرکوب جنبش دانشجویی بشدت محکوم کرد. ولی امروز همانها کشتار مردم روسیه و انحلال و به توپ بستن پارلمان را امری ضروری و سود مکرراسی تلقی میکنند. این برخورد برای امر مهر تایید گذاشت که برای غرب در رابطه با کشورهای دیگر پایه و اساس نه حقوق بشر و شیوه های دموکراتیک حکومت، بلکه منافع مطرح است. غرب در روسیه در پی استقرار دموکراسی نیست و بعمد خطر محافظه کاران را برجسته میکند تا برای دیکتاتوری یلتسین زمینه سازی کند. غرب نه روسیه قوی و دموکراتیک، بلکه روسیه ضعیف و وابسته را میطلبد. در شرایط کنونی یلتسین فرد مناسبی برای تامین چنین اهدافی است.

ولی آنچه مسلم است پیروزی یلتسین برخلاف تبلیغات غرب نه پیروزی دموکراسی، بلکه استقرار دیکتاتوری فردی است. یلتسین بعد از این رویدادها تلاش خواهد کرد که قانون اساسی دست پخت حامیان خود را به تصویب رساند، پارلمان موافق خود را تشکیل دهد و قدرت را هر چه بیشتر در دست خود متمرکز سازد. یلتسین نه در پی نهادی کردن دموکراسی، بلکه در صدد استقرار دستگاهی مبتنی بر اقتدار شخصی است. قدرت او در واقع بر نیروها و ساختارهای دولتی استوار است. یلتسین میخواهد در حقیقت خود یک حزب باشد. تکیه او عمدتاً بر بوروکراتهایی است که از راه رشوه ارتزاق میکنند.

مخالفین یلتسین طیف وسیع و نا همگونی را تشکیل میدهند. مخالفت با یلتسین و کند کردن شتاب اصلاحات، آنها را در یک صف گرد آورده است. این نیروها عمدتاً عیان هستند از: کمونیست ها، ملی گرایان، اتحادیه های شوروندان و سوسیال دموکراتها. هر چند هر یک از این نیروها از موضع خود با یلتسین می ستیزند، اما قرار گرفتن نیروهای چپ در کنار نیروهای فاشیست و ناسیونالیستهای افراطی، به اعتبار

نیروی چپ در روسیه و در جهان لطمه زده است. در روسیه هنوز نیرویی که بتواند برنامه برون رفت از بحران که نظراً اکثریت مردم را جلب کند، وجود ندارد. بعلاوه مردم روسیه نیز در شرایطی قرار دارند که بتوانند تصمیم عقلایی و منطقی برای برون رفت از بحران اتخاذ کنند.

پیروزی یلتسین و کاهش درگیریها به معنی حل بحران سیاسی روسیه نیست. بحران اقتصادی زمینه ساز بحران سیاسی است. کارشناسان اقتصادی غرب بطور مشترک و هماهنگ اقتصاد روسیه را ورشکسته اعلام کرده اند. آنها نوشتند که در مسکو شمارش معکوس آغاز شده است و وضع موجود به نقطه انفجار نزدیک شده است. سرمایه گذارهای غرب متوقف شده و بانکهای غربی حاضر به تمدید مهلت بازپرداخت بدهی های دولت روسیه نیستند. میزان تولید در روسیه مرتباً کاهش می یابد، تورم بطور لحام گسیخته رشد میکند. ارزش پول کاسته میشود، فقر بطور وحشتناکی گسترش پیدا کرده و سطح زندگی بشدت افت کرده است. شبکه مافیا بر اقتصاد کشور چنگ انداخته است. فساد بی سابقه ای شکل گرفته و جانیات از حد و مرز گذشته است. سیاست های یلتسین روسیه را به ورطه سقوط سوق داده است.

یلتسین با وجود تمرکز قدرت در دست خود، کنترل جدی بردستگاه اجرایی کشور ندارد. در نقاط مختلف روسیه، مقامات محلی بدون توجه به خواست و تمایل دولت مرکزی تصمیم می گیرند و آنرا به اجرا می گذارند. اعضای دولت و بطور کلی دستگاه های اداری کشور هماهنگ با هم عمل نمیکند. حتی وزیران کابینه نه با یکدیگر و نه با نخست وزیر هماهنگی ندارند و ساز خود را می زنند. تصمیمات بی جا و بی حساب یلتسین نیز بر این ناهماهنگی ها می افزاید. بعلاوه یلتسین از حمایت وسیع مردم نیز برخوردار نیست. نظر سنجی های اخیر حاکی از آنست که او دیگر از چشم مردم روسیه افتاده است.

پیروزی یلتسین بر مخالفین به هیچ وجه به معنی غلبه بر مشکلات عظیم روسیه نیست. بحران در حال تعمیق است و خواه ناخواه از درون آن بازم تپ و تاب های سیاسی سربیزون خواهد کشید.

تحولات روسیه هم چون گذشته تأثیرات جدی بر تحولات جهان و از جمله اروپا و آسیا دارد. روسیه قدرتمند و دموکراتیک میتواند در مهار یکه تازیه های آمریکا مؤثر واقع شود، موضع اروپا را در مقابل آمریکا تقویت کند، روند تحولات دموکراتیک را در آسیا تسریع بخشد و پیوند بین جمهوری های سابق اتحاد شوروی را گسترش دهد. بهمین خاطر تحولات روسیه مورد توجه تمام کشورها است. آینده نشان خواهد داد که روسیه سرانجام در چه راهی گام خواهد گذاشت.

پیام شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت

به کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران

اعضای اوپک به توافق رسیدند

ادامه از صفحه ۱

راس آنها عربستان سعودی به هیچ وجه تمایل به کاهش سهمیه خود نداشتند. بنا بر این موضوع کاهش و یا حتی تثبیت سقف تولید موجود با توجه به مسائل پیش گفته و همچنین بیخاطر نزدیک شدن فصل سرما که در آن بطور طبیعی انتظار تقاضای بیشتر می رود، نمی توانست مطرح باشد. از این رو کشورهای اوپک نسبت به افزایش ۹۵۰ هزار بشکه به سقف موجود و تقسیم آن در میان بعضی اعضاء توافق کردند. کشورهای اوپک تصمیم شدند که بمدت ۶ ماه (از ۹ مهر ماه تا ۱۱ فروردین) هیچگاه روزانه بیش از ۲۴/۵۲ میلیون بشکه تولید نکنند و ایران، کویت، ونزولا و نیجریه با افزایش ۹۰۰،۴۰۰ هزار بشکه در سهمیه مجاز شان موافقت کردند. بدین ترتیب سهمیه ایران و کویت به ترتیب ۳/۶ و ۲ میلیون بشکه رسید.

موفقیت اجلاس اوپک تا حدود زیادی به توافق کشورهای عربستان سعودی و ایران که از عمده ترین تولید کنندگان نفت اوپک هستند، بستگی داشت. دستیابی این دو کشور به توافق توانست اجلاس اوپک را از خطر شکست و عدم تصمیم گیری برهاند. مذاکرات تلفنی رفسنجانی با ملک فهد پادشاه عربستان و همچنین گفتگوهای آندو با امیر کویت، راه تفاهم بین وزرای نفت سه کشور را گشود.

آغازاده وزیر نفت ایران در این ارتباط گفت این اولین بار طی چند سال گذشته بود که اراده سیاسی تمام کشورهای عضو اوپک برای رسیدن به توافق و اجرای آن وجود داشت. موقعیت اجلاس اوپک تاثيرات خود را در بازارهای جهانی نفت بجا گذاشت. از زمان تدارک اجلاس تا روزهای اخیر با نوسانات معینی بهای نفت به میزان ۱۲/۲ دلار بالا تر رفته که این امر روزانه ۲۹

میلیون دلار عاید کشورهای اوپک و از آن میان روزانه ۳ میلیون دلار نصیب ایران کرده است. دبیرخانه اوپک میزان تقاضای فعلی نفت از کشورهای عضو این سازمان را ۲۴/۴۸ میلیون بشکه برآورد می کند. انتظار می رود که میزان تقاضا در ماههای آتی به ۲۵ میلیون بشکه برسد. در صورتیکه کشورهای عضو اوپک به تعهدات خویش وفادار بمانند تا زمانیکه عراق در اثر رفع تحریم توسط سازمان ملل وارد بازار نفت نشده است، امید می رود که قیمت این کالای با ارزش بتدریج افزایش پیدا کرده به رقم ۲۱ دلار تعیین شده از جانب اوپک نزدیک شود.

کشورهای عضو اوپک از هم اکنون توافق کرده اند که به محض ورود عراق به بازار اجلاس اضطراری دیگری تشکیل دهند. در صورتیکه قیمت نفت خام اوپک در زمستان به ۱۹ تا ۲۰ دلار برسد در آمد نفتی امسال ایران به ۱۶/۵ میلیارد دلار می رسد که در چند سال اخیر سابقه نداشته است. رژیم جمهوری اسلامی در برنامه پنجم دهه دوم که از اول سال ۷۳ اجرا می شود تولید ۴/۵ میلیون بشکه در روز را در نظر گرفته است ایران برای رسیدن به این ظرفیت تولیدی احتیاج به چند میلیارد دلار سرمایه گذاری دارد که چندان دور از دسترس به نظر نمی رسد. اما ایران از هم اکنون متعهد شده که حداقل تا پایان سال جاری و آغاز برنامه پنجم دهه دوم تولید نفت خود را افزایش ندهد. بویژه آنکه اوپک با افزایش سهمیه ایران موافقت کرده است. با این اوصاف رقم تولید ۴/۵ میلیون بشکه از سال ۷۳ تا توجیه به مختصات کنونی واقع بینانه بنظر نمی رسد.

بمناسبت اولین سالگرد

ترورد کتر شرفکنندی و یارانش

از: شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
به: کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران
دوستان گرامی کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران با درودهای صمیمانه، بمناسبت اولین سالگرد شهادت کاک دکتر سعید شرفکنندی و کاک فتح عبدلی، کاک همایون اردلان و همچنین رفیق نوری دهرکدی، ما شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) عمیق ترین همدردیهای خود را از فقدان این یاران، به شما، به خانواده آنان و به حزب دموکرات کردستان ایران ابراز نموده و شد بدترین انزجار خود را از رژیم تروریستی جمهوری اسلامی اعلام می داریم.
ترورد کتر شرفکنندی و یارانش نه تنها نشانه دشمنی جمهوری اسلامی با شخصیت ها و مبارزان جنبش آزاد یخواه کشور ما بلکه بیانگر خصومت عمیق آن با حق خود مختاری برای مردم کردستان ایران در چارچوب ایرانی همیسته، آزاد و سعادتمند است. اهداف ترقیخواهانه و برحق که حزب شما پیگیرانه در جهت تحقق آن مبارزه می کند.
ترورد کتر شرفکنندی در پی ترورد کتر قاسم سلو در شرایطی انجام گرفت که ایشان نیز سیاست و روش را در زمینه تقویت همکاری طیف وسیعی از نیروهای آزاد یخواه کشور پیش گرفته بود.
ترورد کتر شرفکنندی و یارانش ضایعه بزرگ برای حزب شما و نیز ضایعه ای برای جنبش آزاد یخواه و دموکراسی برای کشور ما بود. ما با اطمینان می گوئیم که حزب شما این ضایعه را می تواند با پیگیری آرمان ها و اهداف شرفکنندی و یارانش جبران کند و بر نقشه های شوم جمهوری اسلامی غلبه کند.
ما ضمن محکوم کردن مجدد رژیم جمهوری اسلامی، باریگریاد کاک دکتر سعید شرفکنندی، کاک فتح عبدلی، کاک همایون اردلان و یار رفیق نوری دهرکدی را زنده نگه میداریم، مراتب اندوه خود را به شما ابراز می داریم و همه نیروهای ملی دموکراتیک را به همکاری سیاسی مؤثر در راه آزادی و دموکراسی علیه استبداد حاکم فرامیخوانیم.
شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۱۳۷۲/۶/۲۶

عملیات تروریستی علیه مجاهدین در خاک عراق

اقدام به بمباران پایگاههای مجاهدین در داخل خاک عراق کرد. پس از ترور برخی افراد مجاهدین در ترکیه و پاکستان، سازماندهی عملیات تروریستی از طریق اجیر کردن عراقیها در داخل خاک عراق تازه ترین نقشه رژیم علیه سازمان مجاهدین است.
ادامه از صفحه ۱
رژیم اسلامی نیستند و در ازاره دریافت پول به ترور افراد مجاهدین یا حمله به پایگاهها و تدارکات آنها دست می زنند.
در ماه های گذشته نیز رژیم از طریق حملات هوایی چندین بار

وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی در آلمان

علی فلاحیان وزیر اطلاعات حکومت اسلامی این هفته به آلمان آمد. روزنامه آلمانی "تاگس سابتونگ" با درج این خبر نوشته است که فلاحیان در هفته جاری با مسئولین اطلاعاتی و امنیتی آلمان از جمله "هورست اشویت باوئر" مسئول امنیتی دفتر صدارت عظمای ملاقات و گفتگو خواهد کرد. به نوشته این روزنامه این ملاقات ها در حالی صورت می گیرد که قرار است سه هفته دیگر دادگاه رسیدگی به پرونده قتل دکتر شرفکندی و سه نفر دیگر از همراهان او، که توسط آلمانیان در حکومتهای اسلامی به شهادت رسیدند، تشکیل گردد. بر اساس

جمهوری اسلامی آماده مذاکره با امارات است

خبرگزاریها از قول "سیف سعد" یکی از مقامهای ارشد وزارت خارجه امارات متحده عربی اعلام کردند که این امیرنشین مایل به مذاکرات مستقیم با جمهوری اسلامی بر سر اختلافات دو کشور است. وزارت خارجه جمهوری اسلامی با استقبال از تمایل امارات اعلام کرد که ایران آماده انجام مذاکره با امارات بدون هرگونه پیش شرط است. یک مقام وزارت خارجه جمهوری اسلامی گفت: ما اعلام می داریم که دعوت از شیخ حمدان بن زاید وزیر مشاور در امور خارجی امارات همچنان بقوت خود باقی است. سفر وزیر خارجه امارات به تهران ماه گذشته بدنبال آخرین اجلاس وزرای خارجه شورای همکاری خلیج فارس که در آن از گانه ایرانی در خلیج فارس حمایت شده بود، از جانب خود امارات لغو شده بود.

روزنامه ها همچنان تحت فشارند

ادامه از صفحه ۱
طبع، چاپ رنگی و مخارج گران انتشار روزنامه شهرداری راهبانه حملات خود قرار داده اند تا مخالفت آنان کمتر به مخالفت با دیگر اندیشی و مخالفت سیاسی تعبیر شود. تاکنون گزارشات متعددی علیه منابع تأمین هزینه روزنامه همشهری منتشر شده است. به نوشته کیهان هزینه این روزنامه به ۵۰ تومان برای هر شماره می رسد و بهای تک فروشی آن تنها ۵ تومان است. کیهان نوشته است شهرداری برای انتشار روزانه روزنامه خود ۴ میلیون تومان سوسید میدهد که در ماه بالغ بر ۱۰۰ میلیون تومان میشود. کیهان مدعی است که این بودجه هنگفت را شهرداری تهران از "بیت المال" تأمین میکند و خرج روزنامه خود می سازد. به پشتوانه همین گزارشها و خبرها، علی مطهری نماینده وزرا در مجلس شورای اسلامی از وزیر کشور در مورد "اعلام مجوز شرعی و قانونی انتشار روزنامه رنگی همشهری از محل بیت المال توسط شهرداری تهران سؤال کرد." با ارائه این سؤال به وزیر کشور، فشار به روزنامه مذکور میتوان از جنبه تبلیغاتی خارج شود و به مرحله تازه تری وارد شود. علیرغم پرسش های فراوانی که در مورد منابع تأمین هزینه این روزنامه وجود دارد، و همین پرسش ها خود بهترین بهانه را بدست حزب الله داده است، اما از سوی مسئولین همشهری تاکنون هیچ گونه پاسخی به این پرسش ها داده نشده است. به نوشته روزنامه سلام، حلقه فشارها بر دوران روزنامه نیز تنگ تر می شود. بیش از یک ماه پس از دستگیری عباس عبدی سردبیر این روزنامه هنوز هیچ گونه اطلاع

مجلس طرح تشکیل کمیته زنان را رد کرد

طرح تشکیل کمیته زنان که توسط نفیسه فیاض بخش به مجلس برده شده بود، با مرجی از مخالفت در مجلس شورای اسلامی روبرو شد. عباس عباسی نماینده مجلس در مخالفت با این طرح گفت: "اگر قرار باشد کمیته زنان داشته باشیم باید کمیته ای از مردان نیز در برابر آن در مجلس تشکیل دهیم... اگر چنین شود فردا هم صحبت از وزیر امور زنان بمیان خواهد آمد." این نماینده مجلس اسلامی در ادامه سخنان خود گفت: "زنان باید این را بخود بقبولانند که این مردان هستند که فرمان می دهند و آنها فقط فرمانبردارند، دنیا هم باید اینرا

وزیر خارجه به بغداد می رود

پس از یک دوره تشنج در روابط جمهوری اسلامی و رژیم عراق، در یکی دو هفته گذشته یار دیگر تلاشهایی از سوی دو طرف ظاهراً بمنظور بهبود مناسبات در رژیم صورت گرفته است. این شایعات پس از آن آغاز شد که وزرای خارجه جمهوری اسلامی و عراق در مقر سازمان ملل و در جریان مجمع عمومی سالانه این سازمان با یکدیگر ملاقات کردند. در پی این ملاقات اعلام شد که محمد جواد ظریف معاون وزارت خارجه جمهوری اسلامی بزودی به بغداد خواهد رفت. اما هفته گذشته خبرگزاری جمهوری اسلامی اعلام کرد که بجای جواد ظریف، خود ولایتی از بغداد دیدن خواهد کرد. در یکسال گذشته تهران و بغداد بارها یکدیگر را به تخاصم و نزاع بین المللی متهم کردند. همچنین

نیروهای انتظامی

ادامه از صفحه ۱
انتظامی افزایش خواهد یافت. آنچه را که وزیر کشور مسئولیت خطیر حفظ امنیت عمومی و آرامش و آسایش مردم نامیده است، فرماندهان نظامی با صراحت بیشتری بیان کرده اند. "سرکوب ضد انقلاب" یکی از وظایفی است که پیوسته مورد تاکید قرار می گیرد. سرتیپ محمد علی جعفری فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران روز ۵ مهر در یک مصاحبه رادیویی تلویزیونی اعلام کرد سپاه پاسداران برای مقابله و ریشه کن کردن "نیروی ضد انقلاب و اشراذاخلی" آماده است. پیش از او، محسن رضایی فرمانده سپاه، در سفری به آذربایجان تاکید کرده بود، سپاه پاسداران و بسیج در استانهای آذربایجان غربی و کردستان که ۲ استان "نامن" کشور هستند، مبارزه با "ضد انقلاب" و "گروهکها" را با شدت بیشتری دنبال خواهند کرد. محسن رضایی با اشاره به فعالیت "عناصر ضد انقلاب و ناامنی مرزی" گفت: ما نمی توانیم ناامنی مرزی را تحمل کنیم و توطئه هایی که در خارج از مرزها برای ناامن کردن مناطقی از کشور برنامه ریزی میشود را با هوشتیاری "سربازان گمنام امام زمان" نقش بر آب خواهیم کرد. وی مدعی شد، "من می توانم بگویم که مساله کردستان تقریباً خاتمه یافته است." معاون سیاسی و امنیتی استان آذربایجان غربی نیز اعلام کرد: مردم آذربایجان غربی پس از پیروزی انقلاب اسلامی همواره با شوراها و گروهکها روبرو بوده اند. وی خواستار توجه بیشتر و جلوگیری از تحرکات ایدئولوژیک "اشراذ" شد. مقامات بلند پایه جمهوری اسلامی نیز بمناسبت هفته "دفاع مقدس" هر کدام به نوبه خود از "حضور بیشتر نیروهای انتظامی در سطح کشور سخن گفتند. رئیس قوه قضائیه

در حاشیه رویدادها

کدام "دگرگونی تازه"؟

کیهان لندن در شماره ۴۷۵ (۸ مهرماه) خود در ستون "پیدا و پنهان" مطلبی را زیر تیتر "نوسان آونگ سیاسی پسوی تفاهم؟" در ارتباط با کنگره سوم سازمان ما بجای رسانده که اطلاعات مندرج در آن هیچ ارتباطی با واقعتهای پیدا و پنهان کنگره سوم سازمان ندارد. از جمله کیهان لندن نوشته است:

بدنبال دیدار چند ساعته نمایندگان نهضت مقاومت ملی، نمایندگان انجمن دمکرات های ایران نیز با والا حضرت رضا پهلوی دیدار و مذاکره ای باز داشتند و اکنون خبر می رسد که سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نیز در آخرین کنگره خود، پس از گفتگوهای طولانی سرانجام اصل مذاکره با طرفداران پادشاهی مشروطه را پذیرفته است. برخی ناظران سیاسی بازگشت فرخ نگهدار را به شورای رهبری سازمان نامبرده، پس از یک دوران مفارقت، از نشانه های جدی این دگرگونی تازه می دانند. در کنگره سوم سازمان همانگونه که در گزارش آن هم آمده است،

کمیسیون برای آتن بشقابی!

ارومیه قیمت ویدئو بخاطر وفور استفاده از آتن بشقابی در یکسال اخیر بشدت افت کرده. مردم آتن ها را روی بام یاد ریحاط و استخر و دیگر جاها نصب می کنند. روزها آنرا استتار و شب ها بکار می اندازند. قیمت آتن قطر کوچک یک تا دو متری طی یکسال اخیر از ۲۵۰ هزار تومان به ۸۰ تا ۱۰۰ هزار تومان رسیده است. در وزارت کشور کمیسیونی مشغول بررسی موضوع است تا سیاست معینی را برای مقابله با آتن بشقابی به دولت و مقامات انتظامی ارائه دهد.

محسن رضایی فرمانده سپاه پاسداران :

ما تهدیدات غرب علیه جمهوری اسلامی را جدی می گیریم

محسن رضایی فرمانده کل سپاه پاسداران در گفتگویی با روزنامه رسالت که بمناسبت هفته جنگ انجام یافته، گفته است: "غرب طرح سلطه طلبانه گسترده ای را در منطقه خاورمیانه دنبال می کند و صلح خاورمیانه نیز چیزی جز اجرای این توطئه گسترده نیست. رضایی در این مصاحبه می گوید: "این یک طرح تاریخی است که مربوط به الان نیست... قدرتهای استعمارگر غرب مدتها برای منطقه خاورمیانه یک طرح سلطه طلبانه ای داشته اند و همیشه مترصد این بوده اند که به محض اینکه فرصت تاریخی بدست بیاورند طرحشان را جامعه عمل ببوشانند." به نظر محسن رضایی، "با شروع جنگ خلیج فارس بهانه بسیار خوبی برای دنیا پیدا شد که کارشان را شروع کنند. شاید هیچ خیانتی به بزرگی این جنگ نبود، سر آغاز شروع توطئه جنگ خلیج فارس بود. محسن رضایی بخش مهم این طرح یا "توطئه گسترده غرب" در منطقه خاورمیانه را متوجه جمهوری اسلامی می داند و می گوید: "بخش جدی این توطئه ایران است... غربیها در حال حاضر در صدد حل مسئله اعراب و اسرائیل هستند. بعد سعی می کنند عده ای را از کشورهای

مر تفضی محمد خان به عنوان وزیر اقتصاد

معرفی شد

رفسنجانی، مرتضی محمد خان را برای تصدی پست وزارت امور اقتصادی و دارایی به مجلس معرفی کرد. محمد خان که در سال ۱۳۲۴ در تهران متولد شده است، دارای درجه لیسانس صنایع و فوق لیسانس اقتصاد می باشد. وی تا پیش از این در مسئولیت های معاونت وزارتخانه پست و تلگراف و تلفن، واحد تشکیلات خارج از کشور حزب جمهوری اسلامی، معاونت وزارت کشور در امور پارلمانی، اداری، مالی و سیاسی اجتماعی، قائم مقام وزارت اقتصاد و دارایی و ریاست کل گمرک قرار داشته است. قرار بوده است مجلس در هفته اخیر پیرامون رای اعتماد به وزیر پیشنهادی تصمیم گیری کند.

گفتنی است بهنگام قرائت نامه رئیس جمهور در معرفی آقای محمد خان، عده ای از نمایندگان بطور آشکاره مخالفت با پیشنهاد رئیس جمهور برداشتند. به نوشته روزنامه سلام جناح اکثریت مجلس پیش از معرفی وزیر پیشنهادی، جلسه ای داشته و در این جلسه محسن خاموش به عنوان وزیر اقتصاد انتخاب شده بود و از همین روم معرفی محمد خان در میان برخی از نمایندگان این جناح نیز غیر مترقبه بوده است.

۴۲ درصد مردم

کردستان بیسوادند

بر اساس نتایج آمارگیری جمعیت در سال ۱۳۷۰ در استان کردستان، از جمعیت ۶ ساله و بیشتر این استان تنها ۵۸/۹۱ درصد باسواد بوده اند. در گروه سنی ۶-۱۴ ساله حدود ۶/۵ درصد کودکان ساکن نقاط شهری و ۱۸ درصد کودکان روستایی کردستان از نعمت نشستن در کلاس های مدرسه و برخورداری از سواد محروم می باشند. آمار ذکر شده به مراتب از آمار بیسوادی عمومی کل کشور که آن نیز نوبه خود اسف بار است، بالا تر می باشد.

پخش روزانه ۶ ساعت

برنامه تلویزیونی

برای اروپا

معاون سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی اخبار اعلام کرد که این سازمان با اجاره چند ماهواره، سیما بین المللی تشکیل خواهد داد. قرار است روزانه ۶ ساعت برنامه تلویزیونی برای کشورهای اروپایی و آسیایی پخش شود. وی همچنین با اشاره به فعالیت های برون مرزی صدا و سیما جمهوری اسلامی گفت: اقداماتی برای افزایش برنامه های برون مرزی شبکه سراسری و استانی های مرزی انجام گرفته که بر این اساس برنامه های رادپواز ۱۲ زبان به ۱۸ زبان و نیز مدت برنامه های تلویزیونی از ۵۴۰ ساعت به ۱۰۸۰ ساعت افزایش خواهد یافت.

از میان رویدادها

بخشنامه بودجه سال ۷۳ بلاغ شد

بخشنامه بودجه سال ۷۳، همزمان با تهیه و تنظیم برنامه پنجساله دوم از سوی رفسنجانی به دستگاه های اجرایی ابلاغ شد. بر اساس این بخشنامه تمام وزارتخانه ها، موسسات دولتی، بانکها و دیگر نهاد های دولتی مکلفند که بر اساس هدفها و سیاست های کلی دولت در سال ۷۳، بودجه های جاری و عمرانی خویش را تنظیم و بر طبق زمان بندی تعیین شده به سازمان برنامه و بودجه ارسال کنند.

هدفها و سیاست های کلی دولت در سال ۷۳ چنین تعریف شده است: ایجاد تعادل منطقی بین درآمدها و هزینه های دولت - افزایش سهم مالیات های مستقیم در درآمدهای مالیاتی کشور - استمرار سیاست برنامه اول در جهت حذف تدریجی معافیتهای اعطای شده به بخشها، رشته فعالیتها و موسسات مختلف همراه با اصلاح قیمتها، تخصیص بودجه و بازنگری نظام مالیاتی.

کاهش بودجه جاری دستگاه های اجرایی از طریق حذف بعضی از تشکیلات و ادغام موسسات دولتی - انتقال قسمتی از فعالیت های خدماتی بخش دولتی در زمینه های خدمات اجتماعی به بخش غیردولتی برای ایجاد امکان بهبود کیفیت خدمات دولتی - استمرار سیاست برنامه اول توسعه در امر واگذاری شرکت های دولتی به بخش غیردولتی و زمینه سازی برای واگذاری بعضی از خدمات عمومی قابل واگذاری به شهرداریها

تعیین تعرفه گمرکی با توجه به درجه معقول حمایت از تولید کنندگان و مصرف کنندگان داخلی و

شرکت هیات ایرانی در اجلاس بانک جهانی

و صندوق بین المللی پول

اجلاس مشترک سالانه بانک جهانی و صندوق بین المللی پول با حضور نمایندگان اقتصادی و مالی کشورهای جهان در روزهای ۶ و ۷ مهرماه در واشنگتن برگزار شد. از سوی ایران هیاتی با عضویت نوربخش معاون رفسنجانی در امور اقتصادی و وهاجی سرپرست وزارت اقتصاد و دارایی و همچنین عادل رییس بانک مرکزی برای شرکت در این اجلاس به واشنگتن اعزام شد.

مهمترین هدف هیئت جمهوری اسلامی، جلب نظر بانک جهانی برای اعطای وامهای بیشتر به ایران بوده است. گفته می شود که بانک جهانی اعطای یک وام به مبلغ ۴۰۰ میلیون دلار به ایران را در دست

کوری عصاکش کورد گرشود...

روزنامه سلام ۸ مهرماه صفحه ۳: "جمهوری اسلامی ایران به منظور حل مشکل برق سوریه گروهی کارشناس برق به این کشور اعزام می کند. گفتنی است سوریه با کمبود شدید انرژی برق مواجه است و قطع برق در این کشور روزانه به ۸ ساعت می رسد.

روزنامه سلام ۸ مهرماه صفحه ۲: "ساکتین غرب تهران فردا به مدت ۷ ساعت خاموشی برق خواهند داشت"

۹ سال زندان برای یکی از هواداران آیت الله منتظری

محمود خیرالهی یکی از طرفداران آیت الله منتظری، به حکم دادگاه ویژه روحانیت به ۹ سال زندان و ۷۰ ضربه شلاق محکوم شد. روزنامه کیهان ۷ مهر که این خبر را منتشر کرده است جرم وی را طرفداری از "باند مهدی هاشمی" اعلام کرده و از قول محمدرضا رشیدی دادستان ویژه روحانیت در اصفهان نوشته است: خیرالهی به مسئولین نظام اهانت و فحاشی میکرده و پس از خلع آقای منتظری از قائم مقام رهبری، اقدام به توزیع

وزیر کشور شهرداریها را به باد انتقاد گرفت

علی محمد بشارتی وزیر جدید کشور که از زمان تصدی این سمت همواره از اعمال قدرت در برقراری نظم و انضباط سخن می گوید، شهرداریها را به شدت مورد حمله قرار داد. وی خطاب به شهرداریها گفت: از همین امروز به تخریب ساختمانهایی که تخلف دارند و یا داخل طرحهای عمرانی هستند، پایان دهند. وی گفت: از اول باید جلوی تخلف در ساخت ساختمانها را گرفت نه اینکه آنقدر صبر کنید تا وقتی که ساختمان پایان یافت به سراغشان بروید. بشارتی فساد حاکم بر شهرداریها را مورد انتقاد قرار داد و گفت: در شهرداریها ضابطه حاکم نبوده و سلیقه ای عمل میشود. آنها باید با عمل به قانون از سلیقه گری پرهیز کنند. وی با انتقاد از ناراضی ترانی شهرداریها، از آنها خواست که به بهانه عمران و آبادانی شهرها، برای مردم مشکل و دردسر

مرحله دوم فوتبال انتخابی آسیا این هفته آغاز می شود

مرحله نهایی مسابقات فوتبال آسیا برای حضور نمایندگان این قاره در مسابقات جهانی ۱۹۹۴، جمعه این هفته در قطر آغاز خواهد شد. در این مسابقات که از ۲۳ مهر تا ۶ آبان ماه بطول خواهد انجامید تیم های ملی ایران، ژاپن، کره شمالی، عراق، عربستان سعودی حضور دارند که بصورت دوره ای با هم مسابقه خواهند داد. دو تیم برترین مسابقات به بازیهای جهانی ۹۴ راه خواهند یافت.

تیم ملی فوتبال کشورمان در نخستین پیکار در برابر کره جنوبی و در آخرین دیدار مقابل عربستان سعودی قرار خواهد گرفت. برنامه بازیهای تیم ایران به قرار زیر است:

۲۴ مهرماه (۱۶ اکتبر) ایران - کره جنوبی

۲۶ مهرماه (۱۸ اکتبر) ایران - ژاپن

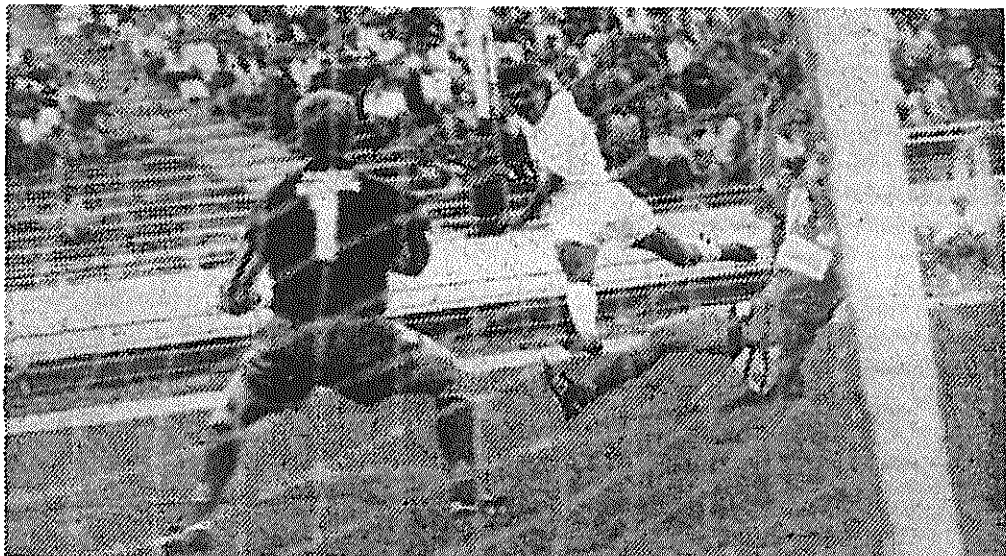
۳۰ مهرماه (۲۲ اکتبر) ایران - عراق

۳ آبان (۲۵ اکتبر) ایران - کره شمالی

۶ آبان (۲۸ اکتبر) ایران - عربستان سعودی

مسابقات تیم ایران بطور مستقیم از اردیبهشت تا خرداد تلویزیون پخش خواهد شد.

مفسران ورزشی تیمهای ژاپن و کره جنوبی را بعنوان اصلی ترین



یکی از پیکارهای تدارکاتی ایران در برابر "سنت و دنامارک که بدون گل مساوی شد

مناطق از گیلان به زیر آب رفت

هفته گذشته بارندگی و طوفانی شدن دریا صدها واحد مسکونی در مناطق چابکسر، کلاچای رودسر، انزلی و آستارا را دچار آب گرفتگی کرد. همچنین بیشتر راههای ارتباطی روستایی و برخی راههای شهری استان گیلان به زیر آب رفت. بسیاری از رودخانه های منطقه طغیان کرده و تعداد زیادی از مزارع برنج تخریب شده است. بعلا با آمدن سطح آب دریا اغلب خانه های جزایر بهشتی و قلم گوده ۱۵ تا ۲۵ سانتیمتر داخل آب قرار گرفتند و ساکنان این جزیره هاشب را در پشت بام به صبح رساندند. پیش روی آب دریای خزر در سواحل تنکابن ۳ تا ۵ متر بوده که حداقل ۱۵ خانوار را وادار به ترک خانه های خود کرده است. همچنین اکثر محلات ساحلی آستارا نیز به ارتفاع ۴۰ سانتی متر زیر آب رفتند و روال زندگی در این شهر مختل شد.

اعتراض روستائیان

به تعطیل

مدرسه دخترانه

ساکنان روستای اردعه ساوجبلاغ در اعتراض به تعطیلی مدرسه راهنمایی دخترانه این روستا، از فرستادن سایر فرزندانشان به مدرسه خودداری کرده، دبستان این روستا را نیز تعطیل کردند.

مدرسه راهنمایی دخترانه این روستای دوست خانواری به بهانه زیر حد نصاب بودن دانش آموزان دختر توسط اداره آموزش و پرورش همزمان با آغاز سال تحصیلی جدید تعطیل شده است.

یک نویسنده سیاهپوست

برنده جایزه ادبی نوبل

۱۹۹۳ شد

زیبا، همچون ترانه



تونی مورسون، نویسنده سیاهپوست آمریکایی برنده جایزه ادبی نوبل سال ۱۹۹۳ گردید. وی هشتمین زنی است که از سال ۱۹۰۹ تا به امروز مفتخر به دریافت نوبل ادبی گشته است.

خانم مورسون در سال ۱۹۳۱ در یک خانواده کارگری در شهر لوراین واقع در ایالت اوهاو متولد گردید. بعد از اتمام تحصیلات در مراکز متعدد دانشگاهی به کار پرداخت. وی سپس در سال ۱۹۶۸ در موسسه نشر کتاب راندوم در شهر نیویورک آغاز به کار کرد و توانست به نویسندگان جوان سیاهپوست، همچون آنجلا دیویس، تونی کاد و سایرین خدمات ارزنده ای بنماید. خانم مورسون از اوایل دهه ۶۰ آغاز به نوشتن کرد. وی در جواب این سؤال که چگونه آغاز به نوشتن نموده است، بمزاح گفت:

زمانی در جستجوی "کتابی" بود که آنرا بخواند ولی نتوانست آن "کتاب" را بیابد، اینگونه بود که خود شروع به نوشتن آن "کتاب" کرد.

رمانهایی که تاکنون از خانم مورسون منتشر شده اند از موفقیت بسیار زیادی برخوردار بوده اند: چشمان آبی در سال ۱۹۷۰، آهنگ سالمون ۱۹۷۷، فرزند انسان که در سال ۱۹۸۸ برنده جایزه ادبی از ناشرین شد و آخرین داستان وی "جاز نام دارد" که در سال ۱۹۹۲ از پر فروش ترین کتابها در آمریکا بوده است.

داستان کتابهای خانم مورسون همچون انگیز و نثر آن شاعرانه است و خواننده را همچون زمان گوش فرا دادن به یک ترانه دلنشین به رویایی شیرین فرومیبرد. داستانهای وی از زندگی، عشق، کار و رنج سیاهپوستان آمریکا سخن می گویند.

دراهم بر گزاری یکصدمین سالگرد تولد نیما

سال ۱۳۷۶ یعنی ۴ سال دیگر مصادف است با صدمین سالگرد تولد نیما یوشیج، شاعر بزرگ و پدر شعر نو پارسی. برای بزرگداشت این مناسبت از هم اکنون تلاشها و فعالیتهایی در میان هنرمندان و هنر دوستان کشور آغاز شده است. از جمله به پیشنهاد رضا پراهنی نویسنده و شاعر معاصر و پیگیری ماهنامه تکاپو هیئت موسسی برای برپایی "بنیاد نیما" تشکیل شده است که اعضای آن را خانم سیمین دانشورو

انتشار یک مجموعه ارزشمند

انتشارات سحر در تهران دست اندر کار انتشار مجموعه ای است به نام "سند قلم" که ترجمه ۳۰۰ مقاله از "دایره المعارف ادبیات جهان" می باشد. خود دایره المعارف حای ۶۰۰ مقاله است که ۳۴ جلد آن تاکنون منتشر شده است. ۳۰۰ مقاله ای که به فارسی برگردانده می شود، خواننده ایرانی را با ۳۰۰ نویسنده معروف جهان آشنا خواهد کرد. هر کدام از این مقاله ها حجمی در اندازه یک کتاب معمولی دارد و لذا به صورت کتابی جداگانه منتشر می شود، به این ترتیب ۳۰۰ مقاله یاد شده بتدریج در قالب ۳۰۰ کتاب به بازار عرضه خواهد شد. از این تعداد تاکنون ۱۰ کتاب منتشر شده است که زندگی و آثاره نویسنده نامدار همچون ژرژ لورکاچ، ملویل، استندال، فیتس جرالده، لیوت، بل، دیکتوزو... در آنها مورد بررسی و

فیلم سینمایی "سارا" جایزه صدف طلایی را برد

چشواره جهانی سان سیاستیان که از تاریخ ۲۵ شهریور تا ۳ مهر ماه در اسپانیا برگزار شد، به فیلم سینمایی "سارا" ساخته داریوش مهرجویی دو جایزه اختصاص داد. این فیلم جایزه "صدف طلایی" را بعنوان بهترین فیلم چشواره و جایزه "صدف نقره ای" را برای بهترین بازیگر زن، خانم نیکی کریمی از آن خود کرد. این فیلم که در یازدهمین چشواره بین المللی فیلم در تهران برنده جایزه سیمرخ بلورین بخاطر بهترین فیلمنامه شده بود، در هفته های اخیر با موفقیت در تهران بر روی صحنه رفت.

کتاب

بوده اند.

برای نمونه فیثاغورث را در نظر بگیرید. همه ما می دانیم که وی عمدا چیزی نوشته است تا خود را در بند کلام مکتوب اسیر و محدود نکند. فیثاغورث بی شک کلامی را که بعدها در انجیل آمده یعنی "حروف می کشند، اما روح زنده می سازد" را حس و درک می کرده، از این روی چنگاه دست به قلم نبرده است. بی سبب نیست که ارسطو نه از فیثاغورث، بلکه از فیثاغورثیان سخن می گوید. در واقع کلام فیثاغورث (روح او) نه از رهگذر نوشته ها و مکتوبات، بلکه از طریق شاگردان وی به نسلهای بعد تر و بعد تر انتقال یافته است.

فیثاغورث با نوشتن می خواست که اندیشه هایش پس از مرگ در روح شاگردانش به حیات ادامه دهند. از همین جا بود که اصطلاح معروف "استاد گفته است" رونق و رواج یافت. این البته به معنای آن نیست که گفته استاد بر اندیشه شاگردانش بند می نهد، بلکه بر عکس به آنها اجازه می دهد که اندیشه اولیه استاد را بپرورند و فراتر برند. جسم فیثاغورث فنا شده است، لیکن شاگردان وی همچنان در اندیشه های او به زرف نگری و بازیابی مشغولند، و اگر کسی آنها را به نوآوری متهم کند فوراً به اصطلاح معروف "استادین را گفته است" پناه می برند.

نمونه های دیگری هم وجود دارند، برای مثال میترا از افلاطون سخن به میان آورد که گفت کتابها همچون تصاویر و تندیسهایی هستند که به نظر زنده می نمایند، اما اگر از آنها چیزی بپرسی، پاسخی نمی شنوی. بر اثر غلبه بر این گنگی کتابها، افلاطون "دیالوگ افلاطونی" را ابداع نمود. به گفته دیگر، افلاطون روح افراد بسیاری همچون سقراط و جورجیاس (یا گورگیاس فیلسوف یونانی در قرن پنجم پیش از میلاد. م) را در خود حلول می داد. می توان حدس زد که افلاطون با این خیال که سقراط دوباره زنده خواهد شد، خود را نسبت به مرگ وی تسلی می داده است. او در رویارویی با هر مسئله ای از خود می پرسید: "سقراط در این باره چه می گفت؟" سقراط به رغم سخنوری بی همتایش کوچکترین دست نوشته ای از خود بر جای نگذاشت و تنها از رهگذر همین گونه سوالات بود که جاودان و نامیرا گشت.

درباره مسیح می دانیم که او تنها یکبار به هنگام زود شدن از پیکر خویش واژه هایی را بر نوشت. تا آنجا که می دانیم او چیزی دیگری ننوشت است. بودا نیز استاد سخن آوری بود و از او تنها وعظ و خطابه هایش بجا مانده اند. سپس ما به سده های میانه می رسیم و جمله معروف در کتاب مقدس آن دوران (انژلم): "کتاب در دست یک انسان نا آگاه خطرناکتر از شمشیر دردست یک بچه است." آری، نیاکان ما درباره کتاب چنین می اندیشیده اند. در شرق هنوز هم اعتقاد بر آن است که کتاب خود نباید چیزها و پدیده ها را آشکار و بر ملا سازد، بلکه تنها باید انسان را در کشف آنها یاری دهد.

به رغم عدم آشنایی با زبان عبری من تا حدودی روایات و کتابهای یهودی را به زبانهای انگلیسی و آلمانی خوانده ام. این کتابها در واقع نه برای درک و فهم، بلکه برای تعبیر و تفسیر نوشته شده اند. محتوای آنها می بایست خواننده را تشویق کند که خود اندیشه ها را پی گیرد. در دوران باستان انسان احترام امروزین را

خورخه لوئیس بورخس

این قوم را یک کتاب می دانند. بدینسان ما با پندار نویی بی خوریم که همان نمایندگی هر کشور از سوی یک کتاب و یا از سوی نویسنده ای است که می تواند صاحب چندین اثر باشد. نکته شگفت انگیزی که شاید تاکنون بی اعتنا مانده، همانا شباهتهای اندک هر نویسنده با ملتی است که آن را نمایندگی می کند. برای مثال انسان انتظار دارد که دکتر جانسون نماینده فرهنگ و ادبیات انگلیسی باشد، ولی نه، انگلیسیها شکسپیر برای این کاربرد گزیده اند و چنانکه می دانیم شکسپیر غیر انگلیسی ترین نویسنده انگلستان است. وی برخلاف انگلیسیها که به کم گویی شهره اند، گرایش شدیدی به استعاره پردازی و خیال پروری دارد که شدت آن را با اوج گیری تصادفی منحنی هذلولی قیاس توان کرد. در واقع شکسپیر اگر نماینده فرهنگ و ادبیات یهودی و ایتالیایی میبود، کمتر شگفتی برمی انگیزخت.

نمونه دیگر آلمان است، کشوری ستایش انگیز که مردمانش به آسانی به تعصب و عدم مدارا می گردند. نماینده ادبی چنین ملتی فردی است مدارا جوی و انعطاف پذیر همچون گوت که از تعصب و خیره سری به دور است و برایش مفهوم "ماد وطن" (Vaterland) چندان اهمیتی ندارد.

فرانسویها گر چه نویسنده مشخصی را نماینده فرهنگ و ادبیات خویش نساخته اند، لیکن گرایش عمومی آنها به ویکتور هوگو غیر قابل انکار است. هوگو برای من نویسنده ای ستایش انگیز است، اما نه تندیس و نهاد مردم فرانسه، بلکه همچون بیگانه ای در این کشور می نماید. وی با ایماها، اشاره ها و استعاره های پر پیچ و تاب خویش کمتر می تواند نماد و نماینده فرهنگ و ادبیات فرانسه باشد.

یک نمونه شگفت انگیزتر اسپانیاست. نماینده ادبی این کشور قاعدتاً باید لوبه کالدرون و یا کوودو باشد؛ ولی نه، این میگوئل سروانتس است که نماینده ادبی اسپانیاست. وی به رغم معاصر بودن با دادگاههای انگیزاسیون، انسانی است آزاد و انعطاف پذیر که نه تقوا و فضیلت اسپانیا بیها در وی دیده می شود و نه عادات بد و کج خوبی آنها.

گویی هر ملتی آگاهانه نماینده ای را برای خود برگزیده که با او متفاوت باشد و خنثی کننده و یا پادزهر اشتباهات آن به شمار رود. ما آرژانتینی ها نیز می بایست کتاب فاکنرد و نوشته سارمینتو را به نمایندگی ادبی خود انتخاب کنیم. اما ما نیز با تاریخ پر از جنگ و جدال و مالا مال از چکاک شمشیرها، کتاب گاهشمار یک سرباز فراری یعنی مارتین فیرو را نماینده خویش ساخته ایم. این کتاب خوانندگی و پرما به است، لیکن چگونه می توان پذیرفت که نماینده تاریخ ما کسی باشد که در جریان تصرف یک صحرا

از خدمت می گریزد. باری، گویی هنر ملتی به طور جدا گانه و مستقل بایستگی گزینشی چنین ناساز و شگفت انگیز را احسب کرده است. در باره کتاب حساس بسیاری از نویسندگان مطالب نغز و پرمایه ای نوشته اند که در اینجا بد نیست به برخی از آنها اشاره شود. نخست باید از مورنتی (فیلسوف و نویسنده معروف فرانسوی م.) یاد کرد که در یکی از نوشتارهای خویش جمله درنگ انگیزی را عنوان می کند: "من هیچ کار فاقد سرور و لذتی را انجام

نمیدانم که در اینجا بد نیست به برخی از آنها اشاره شود. نخست باید از مورنتی (فیلسوف و نویسنده معروف فرانسوی م.) یاد کرد که در یکی از نوشتارهای خویش جمله درنگ انگیزی را عنوان می کند: "من هیچ کار فاقد سرور و لذتی را انجام

زن در برابر زن

نگاهی به یک مصاحبه یک نماینده زن مجلس

در گفتگویی که خانم فیاض سخن بارزنامه سلام داشته اند، نکات جدیدی مطرح کرده که بهتر آن دیدیم ما هم این مطالب را منعکس کنیم به این امید که رهنمودهای این نماینده محترم مجلس گریه از گره های جامعه ایران بتراند بکشاید!؟

خانم فیاض بخش در مورد قوانین موجود ایران در مورد زنان می گوید: ما از مرفی ترین قوانین دنیا بهره مند هستیم. در کشور ما زنان به هیچ وجه ملزم به کار کردن و حتی تا همین هزینه شخصی خودشان نیستند. خانم فیاض بخش که دوره فوق لیسانس فلسفه و حکمت

رفسنجانی:

آمریکا باید حسن نیت نشان دهد

همزمان با سفر نخست وزیر هندوستان به ایران مجله هندوستان تایمز مصاحبه ای با هاشمی رفسنجانی انجام داد که بخشهایی از آن جالب توجه است. ما گوشه هایی از این مصاحبه را برای اطلاع خوانندگان عزیز درج می کنیم.

خبرنگار: شما در صدد ساخت ایران مدرن هستید. فکری کنید بین اهداف دو گانه مدرنیزه شدن و اسلامی بودن برخوردی وجود خواهد داشت؟

رفسنجانی: من چون اسلام را خوب می شناسم بین تعلیمات اسلام و مدرنیزه کردن هیچ اختلافی نمی بینم. بلکه این دو کاملاً با هم سازگارند. اما بین آداب و رسوم و سنتهایی که بین بخش اندکی از مردم ویا افکار نادرستی که به اسم اسلام، افراد نا آگاهی به آن پایبند هستند گاهی تضاد پیدا می شود که در حقیقت تضاد پیدا هم با اسلام است و هم با مدرنیزه کردن. برای پیشبرد کار هم مشکل محسوب می شود ولی بتدریج از طریق آگاه کردن آنان باید بر این مشکل فائق شویم.

خبرنگار: آیا تلاشها برای ایجاد یک ایران مدرن و اسلامی شمارا در مسیر تضاد با غرب قرار داده است؟

رفسنجانی: به هر حال بی تضاد نیست. ولی عمدتاً به دلیل انحصار طلبی های غربی هاست. اگر آنها خوی امپریالیستی خود را کنار بگذارند قابلیت های همکاری همه جانبه بین طرفین وجود دارد. در حقیقت این تضاد از جانب ما نیست، از طرف آنهاست.

خبرنگار: با تمام غرب یافت با ایالات متحده آمریکا مسئله دارید؟

رفسنجانی: علاوه بر این مسائل رفسنجانی: بطور متفرقه بله. مثلاً ژاپن، آلمان، عناصری از افراد. ولی این اقدامات سازمان یافته نیست.

خبرنگار: آیا سطح همکاری با چین در حد مسائل اقتصادی است یا مسائل دفاعی را نیز شامل می شود؟

رفسنجانی: همکاریها عمدتاً اقتصادی است ولی چون همکاریها از زمان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران شروع شده است، در سطح محدودی نیز همکاری دفاعی داریم.

اسلامی را گویا با موفقیت گذرانده اند در حقیقت به ماده قانونی اشاره دارد که می گوید اتفاق مردیه زوجه از لوازم ریاست خانواده است. مردی که می خواهد بر خانواده اش ریاست کند لا جرم باید نفقه آنان را نیز پرداخت کند. در غیر اینصورت اعمال ریاست ناممکن خواهد بود. وقتی در تمام جهان میارزه خستگی ناپذیری برای ایجاد کار، بعنوان وسیله ای برای رشد و تعالی انسانها، در جریان است.

نماینده مجلس با عملاً بیکاری را تبلیغ می کند و زنان را به خانه نشینی و بد بزری ریاست مردان نفقه بده فرمایند و اجرائی تمام عیار قوانین مرد سالاری را بعنوان مرفی ترین قانون طلب می کند. خانم فیاض بخش در مورد طلاق سنگ تمام می گذارد و حتی کلمه ای در مورد دادن حق طلاق به زنان بر زبان نمی راند. چرا که مرنوس بنظر ایشان وظیفه اش روشن است ولى تبصره ۶ قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق را بعنوان بزرگترین دستاورد مجلس گوشزد می کند و آن اینکه موافق طلاق خانمها می توانند در قبایل زحماتی که در خانه شورش کشیده اند و شرعاً ملزم به آن نبودند اجرت المثل دریافت دارند.

خانم فیاض بخش در این مصاحبه می گوید که مجلس شورای اسلامی در صدد اصلاح مقررات مربوط به طلاق و عیال است و می گوید که این اقدامات در راستای برابری زنان است و می تواند به نفع جامعه باشد.

خبرنگار: در حال حاضر دقیقاً اختلاف میان دو کشور چیست؟

رفسنجانی: من اول گفتم، توقعات گذشته آمریکا در ایران بعد از انقلاب اسلامی برآورده نشد و سرش به سنگ خورد. بنظر من برای آمریکا تحمل کشوری مستقل در منطقه مانند ایران که تحت نفوذ آنان نیز نباشد، مشکل است.

خبرنگار: آیا تلاشهایی برای برقراری آشتی و رفع اختلاف بین ایران و آمریکا انجام می شود؟

خبرنگار: این دو کشور با هم همکاری میکنند. در واقع تلاشها را از طریق دیپلماتیک و از طریق رسانه ها در جریان داریم. اما در زمینه همکاریهای اقتصادی و فرهنگی و علمی ما هم در حال تلاش هستیم.

چرا حکومتیان هم به زبان مخالفان سخن می گویند؟!

در بهترین شرایط ممکن وضع مسکن همچنان با برجا و هشدار دهنده است. یکی دیگر از آقایان مشاورین مسکن شمال تهران می گوید: افرادی که توانایی پرداخت و دین ۵ میلیون ریال نداشته باشند بندرت می توانند خانه ای در مرکز و شمال تهران اجاره کنند. کارشناسان امور جمعیتی پیش بینی می کنند که تا سال ۱۳۹۰ حدود دوازده میلیون خانوار به تعداد خانوارهای کشور اضافه می شود که در این صورت در کشوری حدود ۱۲ میلیون واحد مسکونی جدید نیاز خواهد بود و این در حالی است که ۵۵ درصد از کل خانواده های اجاره نشین در تهران در زیربنای کمتر از ۵۰ متر مربع زندگی می کنند. یکی از کارشناسان امور جمعیتی، آب باکی روی دست همه می ریزد و می گوید: چنانچه در یک دوره سه ساله ۱۴۰۰ - ۱۳۷۰ به ازای هر شهرد و شهرد دیگر هم ساخته شود اما تا زمانی که اهرم حکومتی در

سئوال را از خود بکنند. آیا در کشوری که زناشش مطابق قانون از حق تحصیل یکسری علوم محروم می شوند، می تواند از پرچمدار بودن علم صحبتی در میان باشد؟ آیا خانم فیاض بخش گذشته از انشاله و ماشااله گفتن طرحی هم برای برهم زدن آمارهای زیرین در دست دارند؟ مطابق آمار سال ۱۹۸۵ میزان زنان با سواد در سوئیس و آلمان ۱۰۰ درصد و در ایران ۴۲ درصد، تعداد دانشمندان و تکنسین ها در هر هزار نفر (مرد و زن در سال ۱۹۸۷) سوئیس ۲۰۲ - آلمان ۱۳۹ و ایران ۱۲ نفر می باشد. خانم فیاض بخش از عدم استقبال جوانان و خانمهای جوان از جلسات و تشکیلات فرمایشی می نالد. ایشان از الگو قرار گرفتن خانم او شین (قهرمان زن یک سریال تلویزیونی در ایران) گلابه دارند و علت همه اینها را نهاجم فرهنگی غرب می دانند. خانم فیاض بخش و همکاران. مجلسی اش گویی نمی خواهند بپذیرند که واقعبین بیرونی در ایران و جهان با معرظه و پنداره های فیاض بخش ها انقدر در تضاد است که دیگر برای جوانان قابل پذیرش نمی باشند.

فیاض بخش ها فرهنگ غرب و سکس را یکی می دانند، اما این ساده نگری برای جوانان پذیرفته نیست. جوانان فرهنگ غرب را می خواهند تحلیل کنند و با خوبی ها و بدیهایش آشنا شوند. جوانان کنجگاو و تشنه چیزهای نواز لای کنها، از طریق راد یوها و از سابر در زهای دیوارهای دیکناتور در می یابند که فرهنگ غرب بعنوان بخشی از دستاوردهای بشری است و با باید آن را شناخت تا بتوان جنبه های منفی آن را رد کرد.

برای درک همه جانبه نظریات خانم فیاض بخش در مورد فرهنگ غرب کافی است به نظرات ایشان در مورد مناسبات زن و مرد در جامعه توجه کنیم: خانمها و آقایان بهتر است که جدا از هم به مسائل اجتماعی و مشاغل اجتماعی و فرهنگی خودشان بپردازند و این خیلی خوب و یک ایده آل ویسندیده است. من هرگز این سخن حضرت فاطمه را فراموش نمی کنم که فرمودند بهترین چیز برای بانوان این است که نه مردی آنها را بدیده باشد و نه آنها مردی را بدیده باشند.

هدف رشد سرمایه گذاری در این پنج سال بطور متوسط ۱۲/۹ درصد در سال تعیین شده است. برای رسیدن به این میزان رشد باید نرخ مالیات افزایش یافته از مصرف گاسته شده و پس انداز شود. رشد مصرف خصوصی قرار است در حد ۶/۲٪ ثابت بماند و سهم مصرف خصوصی از تولید از ۷۰/۲ درصد در سال ۱۳۷۲ به ۶۷/۳ درصد در سال ۱۳۷۲ بیاورد. درآمد مالیاتی از ۹/۳ درصد در سال ۱۳۷۲ به ۱۳/۷ درصد در سال ۱۳۷۲ برسد. درآمد نفت طبق این برنامه باید بطور متوسط سالانه ۱۶/۳ درصد رشد داشته

بود. براساس مصوبه ای که مردم تایید شورای اقتصاد قرار گرفت قرار است از محل بودجه عمومی در سالهای آتی شرایط عموم زندگی مردم کیفیتاً بهبود یابد و از طریق آن و همچنین توسعه کشور عدالت اجتماعی ایجاد شود. برای برقراری "عدالت اجتماعی" ادعایی، اعمال نرخهای تصاعدی مالیاتی، حذف زمینهای مربوط به کسب درآمدهای باد آورده و جهت دادن به کمک های انتقالی دولت در قالب سوبسید کالا و خدمات به خانواده های کم درآمد و نیازمند ذکر شده است.

در برنامه دوم قرار است رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت بطور متوسط ۷/۰۸ درصد باشد و در صورت دستیابی به آن تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۷۷، به ۱۸ هزار و ۴۴۶ میلیارد ریال برسد و با توجه به افزایش جمعیت به حدود ۶۷/۳ میلیون نفر در سال ۷۷ تولید ناخالص داخلی سرانه ۴/۶ درصد در سال رشد داشته باشد. بیشترین رشد تولید قرار است بترتیب مربوط به بخشهای ساختمان، آب و برق بویژه تولید برق آبی، گاز، حمل و نقل و ارتباطات، صنعت و معدن و کشاورزی باشد و بخش نفت بخاطر ثابت ماندن حجم تصفیه داخلی و کاهش صادرات در سالهای پایانی برنامه، رشد افزوده کمتری داشته باشد.

شورای اقتصاد شاخص های اساسی برنامه دوم را تصویب کرد

باشد و نسبت آن در درآمدهای دولت از ۶۶/۳ درصد به ۶۰/۷ درصد برسد. در بخش هزینه ها هدف آن است که سهم هزینه های عمرانی از ۴۰/۹ درصد در سال ۷۲ به ۴۵ درصد در سال ۷۷ برسد. رشد نقدینگی در نظر است که بطور متوسط ۱۱/۷ درصد در سال رشد داشته باشد و میانگین تورم کشور قرار است بطور متوسط ۱۲ درصد رشد کند و صادرات غیر نفتی بخاطر تثبیت صادرات نفت سالانه ۱۵/۸ درصد افزایش یابد و سهم آن از ۱۵/۸ درصد در سال ۷۲ به ۲۶/۸ درصد کل صادرات برسد.

در بخش اشتغال در نظر است که تعداد شاغلین از ۱۳/۸ میلیون نفر به ۱۶/۳ میلیون نفر در سال ۷۷ افزایش یابد و بخشهای خدمات، صنعت و معدن و ساختمان بیشترین سهم را در تامین اشتغال داشته باشند. اینطور که از ارقام برمی آید اینبار نیز مانند برنامه اول پنجساله، جمهوری اسلامی اهداف بلند پروازانه ای را در نظر گرفته است. که در صورت اجرا می تواند به موفقیتهای اساسی در رشد اقتصادی کشور بینجامد. اما تنظیم اهداف بلند پروازانه نه کاری است مشکل و نه مشکلی را حل می کند. برنامه ۵ ساله اول راهم با همین اهداف بلند پروازانه تنظیم کردند اما نتوانستند بخش عمده ای از آن را عملی سازند. آنها در شرایطی که جنگ خانمانسوز ۸ ساله پایان یافته بود و شرایط مناسبی برای استفاده از ظرفیت و توان نیروها جهت توسعه کشور فراهم بود. اینبار نیز امید نمی رود که سران نالایق حکومت که کشور را در عرصه اقتصادی به بحران همه جانبه ای فرو برده اند بتوانند اهداف پیش گفته در برنامه پنجساله دوم را متحقق سازند، زیرا سمت گیریهای اقتصادی رژیم اساساً نه جهت تحقق رشد اقتصاد و خواسته های مردم، بلکه در جهت تامین منافع قشرهای محدودی از تجار، بوروکراتها و روجانیون قرار دارد.

نزد همین نمایندگان بین المللی تهران روز دهم مهر ماه آغاز به کار کرد. آنچه در این نمایشگاه بیش از همه جلب توجه می کرد کاهش چشمگیر حضور شرکت های صنعتی شناخته شده اروپا و ژاپن بود و خبر گزاران آنها یک نشانه جدی نو میدی شرکای مهم بازرگانی خارجی جمهوری اسلامی از اوضاع اقتصادی و سیاسی کشور ارزیابی کردند.

بنا بر اینکه تعداد کشورهای شرکت کننده در این نمایشگاه از رقم ۵۰ بیشتر است، اما شرکت کشورهای مهم صنعتی شدت کاهش پیدا کرده است. بعنوان نمونه ژاپن که طرف دوم بازرگانی ایران بعد از آلمان است، سال گذشته کالاهاش را در مساحت ۴ هزار و ۵۰۰ متر مربع عرضه کرده بود اما امسال کالاهاش را پنی تنها ۲۰۰ متر مربع از مساحت نمایشگاه را اشغال کرده بود و هیچیک از ۴۵ شرکت ژاپنی که در نمایشگاه بین المللی پارسال حضور داشتند، امسال شرکت نکردند. آلمان، انگلستان و فرانسه نیز بطور چشمگیری کمتر از سال گذشته نمایندگان اقتصادی خود را به نمایشگاه بین المللی تهران گسیل کردند.

وضع نمایشگاه آنچنان را کد و

نمایشگاه بین المللی امسال رونقی نداشت

بی رونق بود که رفسنجانی نیز در سخنان افتتاحی خود نتوانست آنرا لا پوشانی کند و وعده داد "نمایشگاه های بین المللی مادر و سه سال آینده بهتر خواهد بود."

همین روزنامه ها از قول مسئولین برخی غرفه های شرکت های ایرانی نوشتند: در نمایشگاه بین المللی تهران بهترین غرفه را به کشورهای خارجی وی بدترین آنها را در اختیار شرکت های تولیدی داخلی قرار داده اند. این مسئولین گفتند که نمایشگاه امسال بیشتر به یک نمایشگاه وارداتی شبیه است تا صادراتی. در زمانی که تولید کنندگان داخلی با مشکلات بسیاری مواجه هستند، به نمایش گذاشتن اتومبیل های بنز آلمانی و کره ای هیچ دردی را دوانمی کند.

بار دیگر از باورها

گفتگواری درباره‌اندیشه‌ها و باورهای سیاسی و فرهنگی

یادداشت

تنظیم: امیر ممینی

اثبات می‌کنم. مثلاً، جنبش مزدکیان یک جنبش سیاسی-مذهبی بود و مزدک هم خود را پیغمبر میدانست در این جنبش دین و سیاست نه اینکه گره خورده باشند، اصلاً یکی بودند. شما اگر مزدکی می‌بودید ضمن دادن شعار برای ناپار بودید در برابر حضرت ایشان زانو بزیند و او خدای اختراعی او را بپرستید و اگر هم این کار را نمی‌کردید همان بلائی را سرتان می‌آوردند که دشمنان ایشان، طرفداران حضرت زرتشت بر سرتان می‌آوردند. برعکس، کاوه و جنبش اوشاه پرست بودند و فریدون هم حضرت شاهنشاه آنها بود. اگر شما دوش به دوش کاوه شعار داد "میدادید، همزمان ناچار بودید طوق سرنبردگی به شاه نژاده رایه گردن بگذارید و به عنوان یک رعیت مطیع او امر ایشان باشید. یک وقت هم پیش می‌آید که این جنبش دوزیر علم شاه و پیغمبر نباشد و برده بدبختی مثل اسبارتا کوس سوار بر آن اسب سفید معروف شود و برای ورق زدن تاریخ تیغ از نیام بکشد. خوب، میبینیم که "جنبش داد" از جمله در شکل شاه پرستانه، دین پرستانه، و خلق پرستانه و با شیوه‌های به غایت آمیخته با خشونت و بیداد به عرصه ظهور رسیده است. چگونه میتوان بطور نمونه این سه شکل کاملاً متضاد حرکت مردم رایه یسکان جنبش داد نامید؟ آیا ادعای شاهی و خدائی کردن و مردم رایه کیش شاه پرست و بت پرستی و ادانستن ذاتاً بر ضد آنچه داد نامیده میشود نیست؟ من میگویم هست. من اگر ناچار بودم به یک جنبش یگانه تاریخی متکی شوم حتماً بر نیروی متکی میشدم که آنرا میتوان نیروی جنبش کارکنان و مدافعان علم و پیشرفت، یا شاید بطور خلاصه جنبش پیشرفت نامید. بنظر من هیچ مرزى در تاریخ به روشنى مرز طرفداران پیشرفت و مخالفان آن نیست. بسیاری از جنبشهای "داد" چه بسا درست بر ضد پیشرفت جامعه عمل کرده‌اند، لذا مترجع و مضرب و مضربه‌اند. خوشبختانه هر دو تاریخ را آن اندازه خوانده‌ایم که از "حافظه تاریخی" مان مدد بگیریم. این چه رازی که درست در اوج اقتدار و بلندقامتگی دوران هخامنشیان بردا خروج میکنند؟ چرا مزدک در اوج شکوفاشی دوران سیاسی علم شورش بر می‌دارد؟ چرا جنبش بابیه در برابر امیر کبیر قرار میگیرد و حزب کمونیست در برابر هریک از اعمال رضاشاه؟ چرا انقلاب بیهمن (نمی‌گویم انقلاب اسلامی که خود را خلع سلاح کنم)، انقلابی که همه بجز چند تا آتراسیانش کرده و بعضاً ستایش میکنند، در سال ۵۷ وقوع یافت؟ سالی که ایران در پیشرفته ترین و ثروتمندترین دوران خود پس از دوره شاه عباس بود و بیکاری تقریباً به صفر رسیده بود؟ آیا آنچه که انقلاب بیهمن کرد عادلانه بود؟ اگر بود به کدام دلیل، اگر نبود، شما که جنبش مدافع انقلاب بود چگونه مدعی پیروی از جنبش داد میشوید؟ میخواهم کار شمار را خیلی سخت تر کنم و بپرسم، آیا اگر حزب‌ها و سازمانهای سیاسی ما بجای عدالت به جنبش پیشرفت متعلق بودند در قبال انقلاب بیهمن رویدادهای پس از پیروزی آن به گونه‌ای درست ترو سازنده ترموضع گیری نمی‌کردند؟

ادامه دارد

اتهامات مجعول و فتوای قتل

خاطرات کيانوری رايه‌خوان سندی محکم و متنق و مستدل جلوه میدهد یاد سوزی برای کمبود وقت خواننده و کاغذ مجله آدینه از اینکه "هفت صفحه" تمام و کمال این مجله برای نوشته "حضرت مؤمنی خان حرام شده با عصبانیتی در حد جنون به من میتازد. کسی که "خاطرات نورالدین کيانوری" و آن مقاله مرا در مجله آدینه خوانده باشد متوجه میشود که من برای هر مطلب خودم به شاهد یا شهودی اشاره کرده‌ام و حال آنکه کيانوری بدون ارائه کمترین دلیل ومدکرک و شهادتی انبثاتی انباشته از دروغ و تهمت تحویل داده است اما نویسنده "کیهان هوائی" که باید مظهر وجدان اسلامی و مروج "اخلاق اسلامی" باشد با پیروی از شیوه "مرضیه" لومین های تمام عیار (با عرض معذرت از خواننده) به وارونه کردن کامل شکل مسئله دست می‌زند و بعد هم بقول خودش به این "نتیجه" نیمه اخلاقی میرسد که در تاریخ به روایت باقر... همیشه البینه علمی دیگران و الفحش و الفضحیت علی باقر خان مؤمنی! واقعاً که جف القلم! مثل اینکه بهتر است نوشتن رایه پایان برم و در انتظار تحقق "احتمالات پیش بینی نشده" بنشینم.

باقر مؤمنی ۲۶/ ۵/ ۱۳۷۲

تغییری نکرده است. ستم فرد بر فرد (در همه اشکال ساده و پیچیده آن) ستم گروهی (از ستم قبیله بر قبیله تا ستم ملی و نژادی امروزی)، ستم طبقاتی، ستم سیاسی، ستم مذهبی-عقیداتی، فرهنگی و ستم جنسی در راستای تاریخ با سرشتی همگون وجود داشته است. در برابر هریک از این ستمگرها در هر دوره از تاریخ، جنبشهای ستم ستیزی پدیدار شده‌اند که دارای انگیزه‌ها و آرمانهای نخستین هم‌ریشه و هم سرشت بوده‌اند. این جنبشها البته در شکل نخستین واصل خودشان-میخواستند تا بر ستمگرانی چیره شوند که بشکلی از اشکال فوق حق آنها را با بمال میکردند. در تاریخ بشر، تا آنجا که چشم کار میکنند این صف آرایی ادامه دارد. تاریخ بشر تاریخی است شکافته شده با ستم و در این شکاف خون جوشان آدمی جاری است، و در این خون توحشی موج میزند که درنده ترین جانوران از نهیبش هراسانند. اگر این دریای خون را میشد پیمان کرد می‌دیدیم که بیش از نیمی از آن در سه سده اخیر یعنی در دوره تولد و رشد صنعت و تمدن جدید، در دوره "صعود آدمی پسوی کمال معنوی" جاری شده است.

بر این پایه است که من می‌گویم جنبش چند هزار ساله داد. چند هزار سال ستمگری و ستم هم ریشه و هم سرشت، و در برابر چند هزار سال نبرد هم سرشت و هم سو با این ستم و ستم کشی، امروز من جز این نمیتوانم که در این صف آرایی سخت تاریخ، خود رادر کنار کسانی ببینم که آگاهانه و یا غریبی برای جامعه تاریخی داد و انسانی تر بیکار کرده و میکنند. همین جالازم میدانم که روشن کنم که من جنبش ها را جدا از جمع کمی افراد تشکیل دهنده آن جنبش ها ارزش گزاری نمیکنم و بر این باورم که خیر و شر را نمیتوان بین افراد و گروههای اجتماعی تقسیم کرد بلکه معمولاً هرانسان آمیژه‌ای از گرایش به خیر و شر است و اینرو معتقدم که سربازان جنبش نیز همواره آماده دست بازیدن به بیداد هستند، و از آن جمله انتقام جوئی و خشونت گرانی و دشمن کشی و ویرانگری رانزد هر جنبشی که باشد بر شالوده بیداد میدانم. همچنین میتوان گفت که جنبش طبقاتی و عموم بشری فرهنگ گسری از جمله یک جنبش عمیقاً داد گرانه است.

بر پایه آنچه گفته شد معتقدم جنبش نوین داد باید برای به انجام رساندن آن جنبش کهن و دست یابی به آرمانهای با بر جای جنبش داد بی افکنده شونده بر اینکه بر گور جنبش کهن و آوار آرمانهای نیک و بلند جنبش داد علم بردارد.

ایرانپور: من ابتدا پاسخ خودم را به مسایل مطروحه

از سوی شما میدهم و سپس به طرح مسایل بعدی میپردازم. من میدانم شما از راه اثبات آنچه سرشت و ریشه یگانه جنبش داد میدانید میخواهید به تشریح رابطه جنبش کمونیستی گذشته با آنچه امروز جنبش نوین یا چپ دمکراتیک و غیره نامیده میشود برسید و مطمئن هستم که شما بقول خودتان "ناچار" هستید از میراث یا از بخشی از میراث گذشته دفاع کنید. اما من میخواهم که طریق رسیدن شما را به این هدف مسدود یا مشکل کنم. پس، برخلاف شما که بر ریشه و سرشت یگانه تاکید دارید من بر شکل و شیوه متضاد آنچه جنبشهای داد نامیده شده و میشود تاکید میکنم و از این طریق بطلان منطق شما را

تأمین آزادی قلم است برای آنکه آنچه را میخواهد بنویسد و نه آنچه را جبر جامعه و قبیله های سیاسی تحمیل میکنند. و تو آیا میدانی که همواره سخت ترین سانورها بر کلام و قلم از "خود" بوده است؟ و این نه تنها در سیاست بلکه در همه آفرینده های اندیشه بوده است.

و من میگویم که در کلام من دروغی ست. نه در دروغ من بلکه در آنچه من راست می‌پندارم دروغی هست. بگذار در شنیدن توشک باشد. ما میتوانیم بر جاده شک که از خاورستان پر شمشها میگذرد راه حقیقت را به بیمائیم. در جهان سیاست بیش از هر جای دیگری باید شک کرد و پرسید، مقایسه کرد و مقایسه کرد. اگر کسی سود خویش و جامعه و جهان خویش را میخواهد، باید بیطرفانه شک کند و ببرد و مقایسه کند و بر این پایه به آگاهی و طرفداری برسد. در سیاست بررسی و شناخت بیطرفانه در خدمت طرفدارانه در خدمت تا دم گمراهی است.

چه میگوئی؟ سیاست جانبدار است! آری، جانبدار است، جانبداری آگاهانه و جانبداری نا آگاهانه!

باز هم! آگاهی سیاسی جانبدار است! بیه بخشید! من داشتم مقدمه مینوشتم ولی تو وارد متن شدی.

بفرما بید و وارد متن بشوید، اما فراموش نکنید که در جایی از نوشته پاسخ مراد هید.

گفتگو واره ای که میخواهید مدتی پیش از این ثبت شد. بی آنکه در آن زمان و نه امروز هدی برای چاپ آن بوده باشد. اما، اکنون که "باید" چیزی بگویم و "باید" چیزی از نفرت انگیزترین نیاز جامعه یعنی سیاست بگویم، جان به طبیعت خویش باز گشته را با قول و فایده صفای بوی شیدرو جمال رنگ سبزازمی کردم. گاهی نگاهای از دست بگیرد تا این بنده رنجمند کار با زهم قلم را در عرصه های قدیم به چرخش در آورد و دیگر بار به قیمت ناخرسندی جان خویش جویای خرسندی جانهای در جا های از جهان بجامانده از تو فان نوح نبی شود. و چنین شد. و برای آنکه کسی از زمره گنده نام ها و گند گوهای جایی از جهان سیاست باز نا نیاشم رویه سایه خویش میگویم که برای من کار سیاسی همچون کار در فاضلاب جامعه و جهان است. اگر این کارها شود گند همه جا را میگیرد. و اگر بدین کار پرداخته شود پرد ازنده را چنانچه گند و بوی گند فرا نگیرد، گندی بوی آن محیط باری بگونه ای از هزارویک گونه همراه خواهد بود. و در این محیط حتی اگر کسی دروغ نگوید دروغ او را خواهد گفت. و برای تماشاگران میتوان نتیجه یکسان باشد چرا که بهر صورت آن کس بی دروغ یا بی شیعه دروغ بر صحنه حاضر نمیتواند شد. و میدانی که منظور همان دروغ اوستایی است.

و سایه به من میگوید که نخستین گام برای دور شدن از مارش سیاست و نزدیک شدن به ترانه طبیعت برای کسی چون تو برداشتن سانور سیاست از قلم است، یعنی



در جامعه پدید انخواهد شد که دیگر ستمگر و ستم پذیردی ای نباشد و نیاز به بیکار دادخواهان کاملاً از میان برود. پس، کسانی چون من صد ها سال دیگر نیز ناچار خواهند بود عضو همان جنبشی باشند که از هزاران سال پیش آغاز شده است. جنبش داد. این جنبش امانا کتون هزاران بار کز رفته و شکست خورده، و در آینده نیز شاید به گونه ای دیگر کز برود و شکست بخورد. اما نه مرگ حقانیت زندگی را انکار میکند و نه شکست حقانیت هدف را. حتی اگر این شکست به سخت ترین و بدترین شکل آن بروز کند، همانگونه که در این سالها بروز کرد، آری، جنبش داد در این سالها سنگین ترین شکست را پذیرا شد، اما این شکست بدن معنی نیست که همه چیز به پایان رسیده است. من در جای خود از باورهای خصوصی تر خویش خواهم گفت. اما در اینجا لازم میدانم در باره "جنبش داد" بگویم که حتا اگر شکستهای بی پایان در آینده نیز قطعی باشد دادخواهان راه دیگری جز پیمودن راه خویش ندارند. چرا؟ چون جنبش داد واکنشی است در برابر درد. این واکنش ادامه خواهد یافت، حتی اگر به مداوای درآمیدی نباشد. من امروز خود نه از سنگر سرخ بلکه از سنگر سبزی در راه داد میگویم. سنگر سبزی سنگری در داد است و قبل از همه برای بقای بشر و زیست میگوید. من یقین ندارم که انسان بتواند از اینندام زیست بدست خویش جلوگیری کند، با اینکه انسان نمیتواند از عدم یقین به نو میدی و از نو میدی به انفعال و تسلیم برسد. بدین گونه، جنبش چند هزار ساله داد، در رنگهای گوناگون و با آماج های گوناگون ادامه خواهد یافت و همواره نو نو تر خواهد شد. مفهوم نو از دید من هرگز جز این نبوده است.

ایرانپور: میدان بحث از آنچه پیش بینی میشد و وسیعتر شد و شاید بطور بهتر باشد، من میبرسم، آیا جنبش چند هزار ساله یک واقعیت تاریخی است، یا یک لجاجتی انسانی! لجاجتی انسانی آرمانگرایی چون شما که شکست خورده اید اما نمیخواهید تسلیم شکست شوید، حتا با لجاجتی. آنهم یک لجاجتی ظاهراً حماسی و باطناً تراژیک مثل ادعای جنبش چند هزار ساله. کدام واقعیت ها و انگیزه های پایدار چند هزار ساله میتوانند موجودیت و یا عجیب تر از آن وحدت این جنبش چند هزار ساله را ثابت کنند؟

دادور: نخست، شما که خود دست اندر کار هستید به من بگوئید، کدام واقعیتها باعث شده‌اند که تقریباً تمام روشنفکران ایران چه مشکل و چه نام مشکل- در این چند ساله اخیر اینگونه پر شور و پر خاشاگر به بحث و جدل درباره شاهنامه هزار ساله، گئوماتی‌د و هژوریا و نصد و فریدون و ازدها ک پیش از سه هزار ساله بپردازند و بر سر تفسیر آن داستان کهن به صف آرایی چنان تند و تیز دست بزنند؟ آیانه این است که وجود واقعیتها و انگیزه‌های پایدار چند هزار ساله که کار برد امروزی دارند شالوده این بحثها و عامل این لشکر کشی‌های ایدئولوژیک- سیاسی شده‌اند؟ شکل و شیوه ستم و ستم ستیزی در راستای تاریخ دگرگون شده است، اما تا آنجا که به جنبش داد و آزادی بر میگردد در ریشه و سرشت آن چندان

ایرانپور: شاید بهتر باشد که گفتگو را نخست دوسویه پیش ببریم، در یک سواندیشه ای که من آنرا ملی میگویم و دوسوی دیگر اندیشه ای که شما آنرا جهانی می‌نگیند، اگر چه هنوز روشن نیست که آیا همچنان به جهانی بودن باورهای خود باور دارید یا نه. در ادامه میتوانیم و می‌ایست گفتگو چند سویه و چندین سویه شود تا دنیای حرف مارنگین تر شود و حقیقت به مانزدیک تر. اینکه میتوانیم دوسویه آغاز کنیم از آنجاست که نخست باید اندیشه چپ یا بر خاسته از چپ یا ریشه داشته در چپ برای دیگران روشن کند که اکنون در کجا ایستاده است. هنگامیکه بهشت های شما به دوزخ و بیت های شما به سنگ و نبرد های شما به شکست انجامید، و هنگامیکه جهان شما، با دیگر بخش های جهان در انکار توانایی شما برای پر چمندی پیشرفت و داد و واقع نگری هم آواز شده است آیا همچنان بر همان شالوده "کهن، راه خویش را میروید یا اینکه در اندیشه جنبش و آغازی دیگر هستید آنچنان که میگوئید. از کجا باید آغاز کرد؟ از کجا میخواهید آغاز کنید؟ این نخستین چیزی است که باید به آن پاسخ گفت.

دادور: ما ایرانی‌ها معمولاً آغاز کردن را بیشتر از به انجام رساندن دوست داریم. بویژه در زمینه جهانی‌ها و جنبش ها (که فکر میکنم موضوع اصلی گفتگوی ما نیز هست) این بی شکیبی بارز تر است. اقبال لا هوری در کتاب خود به نام "سیر فلسفه در ایران"، ضمن تاکید بر گرایش نیرومند فلسفی در میان ایرانیان، آنها را (بخصوص فیلسوفان و ایدئولوگ های ما را) به پروانه های تشبیه میکند که شوریده و شید از گلی به گلی میبندند و عصاره زینا آنها را میچسند، اما به کامل کردن کار خود، به کامل کردن جهانی‌ها و جنبش های که چنین شیفته آغاز نهادند چندان اهمیت نمی‌دهند. از اینروست که کشور ما سرزمین بسیاری از فلسفه‌ها، جهانی‌ها و جنبش های ناتمام، سرزمین بسیاری کارهای اجتماعی سترگی بی سرانجام است. شعرا، که خود بزرگترین محصول معنوی مردم ما ست، بر بیشتر همین بی شکیبی به زبان فلسفه و علم مانع تبدیل شدن و بدین وسیله دانش ما را نیز سالها در قفسهای عروسی خفه کرد. آگاهی به ضعفهای ملت خویش کمک میکند تا دست کم انسان آن ضعفها را در عمل خود ادامه ندهد.

جنبش اندیشه‌ها و باورهای مرا و امیدارد تا بیشتر به سرنوشت و انجام راه های که پیموده شده بیانند پشم و پرچم "نورانه همیشه بر گور کهنه، که گاهی بر کف کهنه در اهتزاز ببینم. من به توبه خود از نو و نو اندیشی و آغاز های نو هم شنیده و هم گفته‌ام. اما در چار چوب آنچه جنبش چپ نامیده شد این نوا برای من همیشه شاخه‌هایی بودند بر تاملو ط کهنسال جنبش داد. ما بیش از سه هزار سال است که خود را عضوان جنبش میدانیم. از همان هنگامی که "کوی" های لعنت شده در اوستا بر سرنوشت قبیله مان حاکم شدند و مردان مسلحشان رایه جان انسانها انداختند از آن روز گارتا کنون ما هرگز فرصت، شرایط و یا دلیل پیدا نکرده‌ایم که جنبش خود مان را تغییر دیم. با دریغ و هزاران دریغ باید بگویم که از دید من در سده های آینده نیز (اگر که جهانی باقی بماند) هرگز چنان شرایطی

اتهامات مجعول و فتوای قتل

باقر مؤمنی

کرد. من حتی طرح هر گونه سؤالی را هم در این مورد کودکانه میدانم. اما آنچه گفته ام و میگویم جدانی مذهب از سیاست و کنار گذاشتن جامعه روحانیت، بعنوان یک دستگاه و نهاد، از دخالت و مشارکت در امور سیاسی است بدون اینکه بتوان یک روحانی را بعنوان یک شهروند، از مداخله و مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی بازداشت.

در مورد دوم نیز باید بگویم که من در همان جلسه، و جلسات دیگر هم، اگر سؤالی شده، بر اساس اعتقاداتم اظهار عقیده کرده ام که در کشورهای سرمایه داری دموکراسی بمعنای واقعی و بصورت کامل وجود ندارد و از آنجا که این جوامع طبقاتی هستند دموکراسی هم بطور عمده و در اساس بسود طبقه سرمایه دار عمل میکند. با اینهمه باید بگویم که همین دموکراسی موجود در این کشورها و جوامع نتیجه مبارزات طبقه کارگر و توده های زحمتکش بوده و امکان آنی در جهت و بسود بعضی آزادی ها و تاسیسات اجتماعی و سیاسی فراهم آورده که جوامعی مانند کشور ما، که حاکمیت استبدادی سلطنتی یا دینی بر آن حاکم بوده است، از آنها محرومند. بنابراین در مقایسه این دونوع اجتماعات، در آنچه مربوط به برخی مزایای دموکراسی سیاسی است کشورهای سرمایه داری پیشرفته استعماری و غیر استعماری (؟) بطور نسبی بر جامعه ما امتیاز دارند و همانطور که میدانم در این کشورها هیچکس به خود اجازه نمیدهد کسی را بخاطر اظهار عقیده های سیاسی یا اجتماعی و یا فلسفی مخالف تکفیر و فتوای قتل او را صادر کند.

خواهان خوشبختی شان هستیم در تماس قرار خواهیم گرفت.

اما علاوه بر اینها در روزگار پرهیج و مرج و بحران زده ما که از ان ترسین چیز جان انسان است و در هر گوشه ای از کره زمین هزاران نفر مفت و ناپهنگام از پا در میافتند آدمی بسن و سال من برآستی باید خیلی احمق باشد که گرانجانی کند و از بیم جان در برابر دشمنان کور خورد و فضاقت دست های خود را بنشانند. تسلیم بالا بردن خویشتن را زنده بگرسازد.

گذشته از همه اینها اگر قرار بود حکومتی با سانورو تبعید و حبس و قتل مخالفان خود باقی بماند هم الان محمد رضا شاه و حکومت فاسدش باید در مملکت ما به حاکمیت خودشان ادامه میدادند؛ در قتل و کشتار هم سخن از کمیت و رقم و عدد نیست که حاکمان کنونی تصور کنند علت سقوط حکومت شاه این بود که او فقط صدها کشته و هزاران زندانی داشت و ما با ده ها هزار کشته و صد ها هزار زندانی خواهیم توانست حاکمیت خود را دوام بخشیم. راستش من همین حالا هم، پیش از اجرای شدت احساس رضایت خاطر میکنم زیرا وقتی دستگاهی یا آن عظمت و امکانات و قدر قدرتی از سخنان یک آدم منزوی در یک اجتماع سه چهارم تفری چنان دستپاچه میشود که حکم قتل او را صادر میکند معلوم میشود که این دستگاه زریبا پیش چنان سست است که چنین چیزی را برای موجودیت خود خطرناک می شمارد.

آقای باقر مؤمنی نویسنده و مترجم سرشناس در نامه ای به هفته نامه "کیهان هوایی" به اتهامات این نشریه علیه خود پاسخ گفته است. رونوشت این نامه برای نشریه "کار" فرستاده شده است. هر چند موضوع این نامه بیشتر به طرح دعوای شخصی نویسنده با "کیهان هوایی" و پاسخ به اتهامات نشریه فوق مربوط می شود، اما از آنجا که "کیهان هوایی" از درج نامه فوق خودداری کرده است، "کار" آن را منتشر نمی کند.

جناب مدیر هفته نامه کیهان هوایی در شماره های ۱۰۴۰، ۱۰۴۱ و ۱۰۴۲ آن نشریه مقاله، سه قسمتی مفصلی از طرف یک خواننده همراه با یک مقاله کوتاه از جانب نویسنده آن روزنامه چاپ شده بود که آن مقاله مفصل در ارتباط با موضوع سخنرانی اینجانب در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ۱۳۷۲ در دلاس آمریکا بود و مقاله کوتاه خود روزنامه هم مقداری به شکل و شمایل من در ارتباط با تاریخ معاصر ایران و رفیق کبانوری و بقیه قضایا مربوط میشد.

قبل از هر چیز باید گفت جای تاسف است که روزنامه ای که بطور عمده مورد استفاده تحصیلکردگان ایرانی خارج از کشور و همچنین عده ای از روشنفکران مقیم داخل قرار میگردد صفحاتی را به نوشته های از این دست اختصاص میدهد. بدون شک مباحثه و مباحثه اندیشه ها و وقتی جدل فکری درباره هر موضوع اجتماعی و فرهنگی در میان دارندگان عقاید مختلف و متضاد برای بالا بردن سطح دانش خوانندگان و آموزش نحوه برخورد فکری به آنان سودمند است ولی نوشته های از این دست که در این سه شماره "کیهان هوایی" چاپ شده، بخصوص در شرایطی که مطبوعات بسیار سنگین و متین و پرمغز در داخل کشور انتشار می یابند، برآستی چه کمکی به بالا بردن سطح دانش خوانندگان، انهم ایرانیان ساکن خارج کشور، و حفظ ارزش کیهان هوایی، بعنوان یک روزنامه معقول و غیر جنجالی، که ظاهراً مورد نظر اداره کنندگان آنست، میکند.

نویسنده گان مقالات نه تنها با تحریف سخنان من مرا مورد خطاب آنچنانی قرار داده اند بلکه در مواردی هم مرا سرزنش کرده اند که "چند مسئله را موبدانه ناگفته گذاشته ام" و راجع به فلان و بیهان مطلب اظهار نظر نکرده ام. طبیعی است که در بحث درباره یک موضوع، آنهم در یک گفتار محدود نمیتوان زمین و آسمان را بهم دوخت ولی در یک مورد حق با آنهاست و آن اینکه در توضیح روند منظم حوادث فراموش کردم به شرکت اولیه آقای کاشانی در مبارزات ملی شدن نفت و معارضه بعدی او با مصدق و بسود شاه همانها با آیت الله بهبهانی اشاره کنم که اتفاقاً خود نمونه و دلیل برجسته ای بر اثبات این مطلب است که روحانیت حتی در مبارزه علیه خارجی هم پی گیر نیست و سرانجام روحانیت مبارز از سنگر روحانیت مرتجع سردر میاورد.

تحریف و بهتان

نویسنده گان کیهان هوایی در نوشته های خود سخنان مرا نه تنها بر اساس تریبت و سطح فکر خود درک کرده و در نتیجه در بعضی موارد ناخود آگاه بعضی از نکات آنرا بمعنا غیر از آنچه مورد نظر بوده فهمیده اند بلکه در اکثر موارد آگاهانه به تحریف گفته های من دست زده و بر اساس تحریفات خود ساخته اتهامات گوناگونی بر من وارد ساخته اند تا فتوای قتل مرابخیال خود توجیه کرده باشند.

تکفیر و تهدید به مرگ

اما اگر خواننده تصور کند که نویسنده گان کیهان تنها به این ناسزاها اکتفا کرده اند اشتباه میکند، و ای کاش چنین بود. این نویسنده گان علاوه بر آنچه گفته شد مرابا ناسزاها و اتهامات دینی، مانند "بهاثی" و "جیره خوار" بیهودیان و بیهانیان نیز سرفراز کرده اند. آنها حتی ایراد گرفته اند که چرا من "از کسروی (مقتول دست فدائیان اسلام)، علیرغم آنکه دشمن اسلام بود نقد پرزوری یاد نکرده ام و علتن هم بزعم آنان آنست که او "آبرو و حیثیتی برای بهاثیان باقی نگذاشته بود! گذشته از اینها، وید تر از همه اینکه شخص مزدوری مثل سلمان رشدی را در دهان خود و دوستان حلوا حلوا میکنند!

فصاح قبیل از جنایت

نخست باید توضیح بدهم که این مقالات، برحسب بیان و اشارات نویسنده یا نویسندگان آن، درباره "مطلبی" نوشته شده که من برابرویی در حضور یک عده "چهل نفری" و بر روایت دیگر در یک کنفرانس که سه چهارم نفر بیشتر توی آن نبودند اظهار کرده ام. باین ترتیب اولاً برای خوانندگان کیهان هوایی که مجبور شده اند قریب چهار صفحه مطلب درباره گفتاری بخوانند که چند شنونده بیشتر نداشته و گوینده آن فردی "منزوی" است و مطلقاً نام شناخته شده ای ندارد باید متاسف بود. و ثانیاً اکنون که گفتار من از نظر آن روزنامه ای بنقد راهمیت داشته که در سه شماره وطنی چهارم مقاله به آن بپردازد متذکر می باشم که قبلاً به چاپ گفتاری نوشتار من دست میزد که خواننده این مقالات متوجه باشد که من چه گفته ام و او جواب چه مطلبی را میخواند و حکایت آن آخوندی نشود که پس از شرکت در قتل یک رهگذر از یکی دیگر از قاتلان می پرسید: "مؤمن، آن ملعون چه گناهی کرده بود؟" بهر حال برای اینکه فصاح قبیل از جنایتی صورت نگیرد و بعلاوه من ناگزیر به دفاع مفصلی از خود نشوم البته اگر محضر عدل کیهان هوایی حق دفاعی برای محکومان خود قائل باشد. عین گفتار را فرستادم که امیدوارم آنرا چاپ کنید؛ و هم با این امید است که من در اینجا تنها به توضیح درباره بعضی نکات جنبی میپردازم زیرا بنظر من بسیاری از مطالبی که در این مقالات در مورد متن سخنرانی من آمده خارج از موضوع است و آنقدر قابل اعتنا نیست که خاطر خواننده را با جوابگوئی به آنها رنج کم و بعضی مطالب هم مانند اظهار نظر درباره آل احمد و شریعی و مسائلی از این دست عقیده و نظر نویسنده و خانم میکی کدی (شاهد نویسنده) است که هر کس میتواند جداگانه درباره آنها به بحث بپردازد.

مطلب آخر

نویسنده مقاله سه قسمتی در نوشته خویش در دفاع از مارکسیسم و ماتریالیسم هم ریش جنبانده است باین ترتیب که بکمک لغت نامه "نیک آئین" و حزب توده و درک سوررنالیستی از مطالب آن، از موضع مارکسیستی نوع معینی به من هجوم آورده که در گفتارم "انتقاد دیالکتیکی و تحلیل سوسیال رئالیستی" (۱) ارائه نداده ام. او چنانکه در مجموعه دشنام های بالا آمد با ستاد همین لغت نامه مرا کمونیست امریکائی و وارث ماتریالیست خود هم نامؤمن همست.

نویسنده اسلام بنهانه، که ناگهان کارشناس مارکسیسم لنینیسم و ماتریالیسم دیالکتیکی، و همچنین سوسیال رئالیسم، از آب در میآید با اظهار تعجب سؤال میکند که این باقر مؤمنی خود را پیرو کدام ماتریالیسم دیالکتیکی میدانند که نظریاتش با هیچیک از تئوری های مارکس، انگلس، و لنین، و حتی (۱) ماوتسه تونگ نمیخواند زیرا بقول او بر اساس همه این تئوری ها جمهوری اسلامی ایران تضاد فرعی است و امپریالیسم تضاد اصلی و حال آنکه در گفتار باقر مؤمنی "جمهوری اسلامی ایران (با سرمایه داری دلالی و بدون شکل خاص طبقاتی؟) (؟) به تضاد اصلی مبدل شده و امپریالیسم به تضاد فرعی!

او، که همه این تئوری ها را بقول معروف "فوت آب" است، بنابه گفته خودش با برخورد تئوریک و آکادمیک (۱)، و باز هم با ستاد همان لغت نامه کذائی و به پیروی از سیاست روسیه "انترناسیونالیسم پرولتری را در عصر ما به "انترناسیونالیسم در مناسبات با ملل ستمدیده و جنبش های آزاد بیخش" تعمیم میدهد و به من میپردازد که چرا بدون توجه به این اصل جدید "انترناسیونالیستی" در طول سه ساعت سخنرانی حتی یک پار هم برای مسلمانان بوگوسلاوی و الجزایر و کشتار آنان "همدردی انترناسیونالیستی" نکرده ام!

اما جالب اینجاست که نویسنده مقاله یس از طر - این ایرادات بیمورد مطلب را به مقایسه دانش و اعتقاد مارکسیستی ماتریالیستی من یادانش و اعتقاد کبانوری میکشاند و در یک قیاس مع الفارق ستایش از او ناسزاگوئی به مرابه اوج میرساند. او مینویسد کبانوری بر خلاف مؤمنی دارای "استقلال فکری است" و هرگز از موضع ضد امپریالیستی خود افول (۱) نکرد و همیشه بر

اما پیش از ذکر برخی تحریفات در گفته های من باید به رد این نکته بپردازم که کیهان هوایی در معرفی من مرا از اعضای رده بالای سازمان چریک های فدائی خلق (اقلیت) خوانده است که معلوم نیست گزارش کدام گزارشگر دروغزن "ساواک" یا "واواک" و یا "اطلاعات بیست و پنج میلیونی" سبب این گمراهی روزنامه شده است. من در معرفی نامه ای که در اختیار مسئولین آن جلسه و جلسات دیگر گذاشتم نوشته بودم که در سال ۱۳۲۴ بعنوان یک کمونیست به عضویت حزب توده ایران در آمدم تا اینکه در سال ۱۳۳۵ جزء آخرین اعضای این حزب دستگیر شدم. از آن پس هم با اینکه همیشه پای بند عقایدم بوده ام و هنوز هم هستم نه تنها در رده بالا بلکه علی رغم از خود ناراضی ها عضو ساده هیچ سازمان سیاسی چپ شناخته شده ای هم نبوده ام.

بهر حال، نویسنده گان مقالات با نقل مطالبی در گیومه خواسته اند بگویند حرف های مرا با امانت ضبط و نقل کرده اند. باید با قاطعیت تمام بگویم که مطالبی که از قول من نقل شده بطور عمده دروغ و قسمتی از آن هم تحریف شده است. خواننده خود میتواند بر احتی با خواندن متن گفتار من البته اگر کیهان هوایی آنرا چاپ کند متوجه شود که آنچه ظاهراً از من گفتار من نقل شده تا چه حد صحت دارد! اما در مورد آنچه بظواهر از جواب های من به سؤالات حاضران در روزنامه چاپ شده قسمت اعظم آن دروغ و تحریف شده است و در دو سه مورد هم در نقل حرف های من بی دقتی شده است. مسلم است که در اینجا نمیتوان همه آن دروغ ها و تحریفات را نشان داد و به آنها پاسخ گفت و مورد هم ندارد (شاید اگر فرصتی دست دهد، و پیش از اجرای فتوای قتل، سؤال و جواب ها را تنظیم و منتشر کنم) ولی ناگزیر در اینجا به هدف و قصد نویسنده گان از این تحریف ها به دو مورد اشاره میکنم:

۱- بسیاری از نقل قولها حکایت از این دارد که من خواسته ام مذهب زدانی بکنم و گفته ام که روحانیت را باید از سر راه برداشتم، و باید آنرا از بین برد، و یا تئور روحانیان را جایز دانسته ام و از این قبیل؛

۲- برای دموکراسی غربی و سرمایه داری تبلیغ کرده ام.

فقا در خواهند آورد.

بدون شک تا کید بر روی این حکم کلی که حاکمان وقت در هیچ دوره ای از تاریخ و در هیچ منطقه جغرافیایی نتوانستند با قتل و ترور مخالفان از سقوط خویش جلوگیری کنند و یاد آوری اینکه حاکمان کنونی ایران هم از این حکم کلی مستثنی نیستند برای مغزهای متحجر که تا نوک دماغشان را بیشتر نمیتوانند ببینند بی فایده است اما آنچه گفتنش در مورد قتل شخصی من بی فایده نیست اینست که این تهدید منطقاً و به چند دلیل نباید مرا بترساند و از گفتن و نوشتن آنچه بنظر من حقیقت است باز دارد:

اول اینکه هر کسی بنحوی با رآمده و شکل گرفته که از احکام و آثار آن نمیتواند بگریزد و اگر کسی، بخصوص که مثل من با به سن گذاشته باشد، حتی اگر هم بخواهد مشکل بتواند برخلاف حکم قلب و مغزش عمل کند و باید بگویم تربیت خانوادگی و حزبی و اجتماعی و فرهنگی من، حتی بعضی اوقات علی رغم برخی حسابگری های موضوعی، همیشه مرا به گفتن و نوشتن حقایق هدایت و اداره میکند.

دوم اینکه حقیر یکبار در سال ۱۳۳۵ بدست ماموران شاه تیرباران شده ام و الان در دست سی و هفت سال است که مجانی، و بقول معروف قاچاقی زنده ام و از آنجا که از زندگی طلبی ندارم، بلکه باعتباری بد حکار هم هستم، فکر نمیکنم بتوان با تهدید مرگ و فتوای قتل چیزی از من گرفت که نگرانش باشم.

سوم اینکه با احتمال قوی مرگ فتوای شیخ، با توجه به تجربه سلمان رشدی، بسود اندیشه و مسلکی است که من به آن اعتقاد دارم و از همه چیز هم برآیم والا تر است و مطمئناً که پس از چنین مرگی، نوشته های امروزیم، که مدتهاست روی دستم مانده اند، خریداران بیشتری خواهند یافت و یا تیراژه های وسیع منتشر خواهند شد و من از این راه خیلی بیشتر از امروز با کسانی که دوستان دارم و

ناسزاگوئی

ابتدا به لحن مقالات میپردازم و با اظهار تاسف برای مملکتکم و برای مردمی که ناگزیرند برای خواندن چنین نوشته های وقت و پول صرف کنند به نقل ساده ناسزاها نی که در این مقالات آمده است اکتفا میکنم. چنانکه پیدا است این ناسزاها شامل فحش های سیاسی، اخلاقی، فکری و غیره "و همچنین اتهامات گوناگون و مکرر است:

دلفک بازی یک هنر پیشه ناشی و مبتدی سیرک، حاجی فیروز بازی، دن کیشورت، بی شخصیتی و دلفک بازی و بی شرمی از خود نشان داد، عقده ای، جا کرمنش، تابینی که صدا ت سر لشگر و بزرگ ارتشتاران را میگذارد توی جیبش و راست راست راه می رود، اعجوبه ای که آن سرش ناپیداست، گرینده الفحش و الفضحیت، باقیمانده سیستم فاسد الیگارشی سلطنتی، طرفدار روابط لیبرالی غربی، وابسته به امپریالیسم، در خدمت صهیونیسم، نویسنده و محقق مکتب غربی که جز در خدمت احقاق حق سلطه استعمار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی غرب نبوده، کسی که برای ایرانی وابسته به غرب یاد آیره زنگی پاکوپی میکند و شعارش عبارت است از "با غرب یا مرگ، ضد انقلاب، ماهیت دروغ آمیز که

وضع اقتصادی ایران از نگاه شرکای آلمانی جمهوری اسلامی

روزنامه آلمانی "زود دویدجه" تساوتونگ ماه گذشته یک ویژه نامه اقتصادی مربوط به ایران منتشر کرد. این گونه ویژه نامه ها که در ایران با عنوان رپرتاژ آگهی چاپ می شوند، در مطبوعات غربی آمیزه ای از تبلیغات و گزارش های کمابیش واقعی اند. شرکت ها و دولت های خارجی برای اینکه در کشور محل چاپ روزنامه، شرکا و طرفهای جدید معامله بسایند، در ویژه نامه های مزبور به معرفی شرایط تجارت و سرمایه گذاری در کشور خود می پردازند و در این راستا، از کمک روزنامه نگاران محلی و نیز نهادهایی نظیر اتاق های مشترک بازرگانی کمک می گیرند. این ویژه نامه ها ابزاری معمول در بازاریابی است و اختصاص یک ویژه نامه به ایران نیز در کشوری که طرف معامله اصلی ایران است، امری عادی است. اما نکته ای که در ویژه نامه "زود دویدجه" جلب توجه می کند، این است که از ورای تبلیغات و مقالات حاوی تشویق سرمایه گذاران آلمانی به معامله با ایران، اوضاع اقتصادی و خصیصه جمهوری اسلامی با تازا یافته است. نگاهی به برخی نکته های مندرج در ویژه نامه، این ارزیابی را تأیید می کند.

مقاله اصلی ویژه نامه، به قلم یکی از کارکنان بنیاد سیاست و دانش آلمان، نگاه به اوضاع ایران را از تشریح انتخابات ریاست جمهوری و نتایج آن آغاز می کند و ضمن اشاره به پائین بودن میزان مشارکت مردم در آن و آرای کم رفسنجانی، می نویسد: "مواقت با مشی با سازنی و گشایش اقتصادی ایران در داخل و خارج از کشور چندان زیاد نیست. دولت ایران، بین ضرورت گسترش وبه ویژه موثر کردن اقتصاد با بازار و خواست عدالت اجتماعی یا به عبارت بهتر، برطرف کردن فقر، قرار گرفته است و در عین حال، باید از خارج فشاری های سی میلیار دلاری فعلی را تحمل کند.

این مقاله می افزاید: احمد توکلی کاندیدای "بازاری محافظه کار" توانست ۲۳/۸ درصد آرای انتخابات ریاست جمهوری را به دست آورد، و این در حالی بود که هر سه رقیب رفسنجانی که مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفته بودند، در تبلیغات انتخابی تنها به وعده تغییراتی جزئی در سیاست تعدیل اقتصادی رفسنجانی اکتفا می کردند. در ادامه مقاله آمده است بر خلاف نامزدهای ریاست جمهوری، اپوزسیون متمایل به "چپ حکومت، متشکل از رادیکال های اسلامی از یک سو، و ملی های لیبرال" از سوی دیگر، انگشت بر زخم های اساسی گذاشته اند. این مقاله می افزاید اپوزسیون نسبت به "فروش کشور به بانک جهانی و صندوق بین المللی پول" و شکل گیری یک دیکتاتوری به سبک آمریکای جنوبی، هشدار می دهد. به عنوان نمونه، از یک نوشته حبیب الله پیمان در نشریه "ایران فردا" نام برده شده است که پیمان در آن، به تضاد بین نهادهای مذهبی و دنیوی در سیستم سیاسی ایران و نیز به شکاف فزاینده میان فقر و ثروت اشاره

دارد. مقاله زود دویدجه سپس می نویسد: "متاسفانه در این تصویر تیره، نکات واقعی زیادی وجود دارد. مسئله اصلی ایران عبارت است از انفجار جمعیت در عین کاهش یابد بهترین حالت، ثابت ماندن درآمد نفتی. هنگام انقلاب ۱۳۵۷، درآمد نفت ایران که در آن زمان، در حدود ۳۶ میلیون نفر جمعیت داشت، به حدود ۲۲ میلیارد دلار بالغ می شد. امروز در آمد نفتی ایران تقریباً ۱۵ میلیارد دلار است (دولت ایران امیدوار است به ۱۷ میلیارد دلار برسد)، از ارزش دلار کم شده است، و باید تقریباً ۶۰ میلیون نفر از طریق واردات مواد غذایی که رقم آن حداقل به یک چهارم این درآمد می رسد، تأمین کرد.

"زود دویدجه" تساوتونگ "ایران را از جمله کشورهایی می داند که دولت های آنها به خاطر وجود منابع مهمی مانند نفت، در مقابل اهالی کشور از استقلال مالی نسبی برخوردارند اما در رابطه با جهان خارج، شدیداً وابسته اند، و می افزاید این امر باعث شد که حتی در دوره انزوی ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۲، ایران به لحاظ اقتصادی از خارج ننگسند. مقاله "زود دویدجه" می نویسد برای اینکه ایران بتواند از واردات مایحتاج اولیه بکاهد و درآمد نفت را صرف توسعه کشور کند، به سرمایه و دانش خارجی نیازمند است. این مقاله می افزاید از هنگام پایان جنگ ایران و عراق، قوانین ایران به سود تسهیل در سرمایه گذاری های خارجی بسیار تغییر کرده است، و به عنوان نمونه از لغو محدودیت مشارکت های خارجیان به استثنای مشارکت در صنایع کلیدی و انحصارات که حداکثر کمات ۴۹ درصد است، نام می برد. ایران به ویژه می خواهد در صنایع سبک و سنگین، پتروشیمی و معادن سرمایه های خارجی را جذب کند. در ادامه مقاله به شکل گیری پنج حوزه آزاد تجاری (قشم، کیش، هرمز، سیرجان و چاه بهار) اشاره شده و در عین حال تأکید به عمل آمده است که چنین سیاست هایی با مقاومت بازار سنتی ایران روبرو است که از طریق شورای نگهبان، در برابر اجرای این خط مشی مانعی ایجاد می کند. مقاله زود دویدجه سپس می نویسد:

بدون تردید، مقررات قانونی در برخی موارد نیازمند اصلاح است. اما راه برای سرمایه گذاریهای خارجی و همکاری با بانک جهانی و صندوق بین المللی پول که از ۱۳۷۰ دوباره آغاز شده است، باز است. با این حال باید برای ایجاد یک جو بهتر در سیاست های اقتصادی، حتماً نسبت به تردیدهای ایرانی هادری کردن این راه، تفاهم نشان داد. این به هیچ وجه تنها انتقالیون رادیکال نیستند که نسبت به توصیه های ظاهرالصلاحی که هدف از آنها تنها پر کردن جیب خود است، بسیار حساسند، بلکه این احساس را بسیاری از ایرانی ها که تازه الان از طریق مشکلات باسازی در می یابند که انقلاب یعنی چه، دارند. زدن چوب حراج به کل ایران در اوایل قرن حاضر میلادی و کودتای مورد حمایت سیاه علیه مصدق در سال ۱۳۳۲، تنها دموونه از سابقه تاریخی است که همراه با ادامه محکومیت کلی انقلاب از

سوی رسانه های گروهی غرب، در میان ایرانیان به واهمه زیادی از تحقیر دوباره توسط غرب، دامن می زند. با این حال، به نوشته "زود دویدجه" شرایط سرمایه گذاری خارجی در ایران از برخی لحاظ از دوره حکومت شاه نیز مساعدتر است. این روزنامه می نویسد در دوره زمامداری شاه، میزان حداکثر مشارکت خارجیان ۳۵ درصد بود. نتیجه گیری مقاله "زود دویدجه" این است که آلمانی ها باید در همکاری اقتصادی با ایران پیشقدم شوند و میدان را به سایر کشورهای اروپایی و نیز آسیایی وانگذارند. این مقاله در پایان می نویسد حتی آمریکا نیز که در آغاز سال جاری سیاست به عقب راندن همزمان "ایران و عراق را اعلام کرد، در سال ۱۹۹۲ بیش از یک میلیارد دلار کالا به ایران صادر کرده است.

در ویژه نامه "زود دویدجه" تساوتونگ، مارک لاندائور رئیس اتاق صنایع و بازرگانی ایران و آلمان در تهران نیز مقاله ای نوشته است. این مقاله، به خصوصی کردن اقتصاد ایران اختصاص دارد. لاندائور می نویسد در قانون اساسی ایران سه بخش اقتصاد دارای حقوق برابرند و از این لحاظ، شباهت هایی با قانون اساسی آلمان وجود دارد. لاندائور سیاست خصوصی کردن دولت ایران را متشکل از گام های کوچک و حساب شده در چهار راستا ارزیابی می کند: بازگرداندن به صاحبان قبلی، فروش سهام به کارکنان، فروش سهام در بورس و نیز فراهم کردن راه سرمایه گذاری های مشترک با خارجیان. در این مقاله آمده است تقریباً هیچ بخش اقتصاد ایران نیست که در آن راه سرمایه گذاری خصوصی بسته باشد و حتی استثناهایی مانند صنایع سنگین، پتروشیمی و استخراج معادن زیر زمینی نیز اکنون مشمول این قاعده اند.

در ادامه مقاله، به فعالیت بورس تهران و نوسانات آن اشاره شده است. سپس آمده است: "نمونه ایران خودرو، مشی گام های حساب شده را به خوبی نشان می دهد. در وهله اول به سهامداران کوچک که پیش از دولتی شدن، مجموعه نزدیکی به ده درصد سرمایه شرکت را در اختیار داشتند، حق خرید سهام جدید به نسبت ۱۰۰ به ۲۴۰ داده می شود. سپس بخش کوچکی از سرمایه شرکت (سخن از ۶۰ تا ۶۰ هزار سهم است) برای خرید عرضه می شود که یک سوم آن با شرایط مساعد تریه خرید از سوی کارکنان اختصاص دارد. بعداً، بخش های دیگری از سهام سرمایه، در بورس عرضه خواهد شد. مقاله دیگری به قلم هربرت ریدل رئیس اتاق بازرگانی ایران و آلمان در هامبورگ، به تشریح تجارب نمایندگانهای بین المللی تهران می پردازد. در این مقاله آمده است پس از رکود مبادلات اقتصادی ایران و آلمان در سال ۱۳۶۸ در پی ماجرای سلمان رشدی، در سال ۱۳۷۱ حجم این مبادلات به بالاترین حد خود یعنی ۹/۰۹ میلیارد مارک رسید که البته، ۸۸ درصد آن مربوط به صادرات آلمان به ایران است. این مقاله می نویسد واردات نفت آلمان از ایران که پیش از انقلاب زیاد بود، اکنون به حد ناچیزی کاهش یافته است.

این مقاله می نویسد در سال گذشته ۴۰۰ غرفه از ۱۵۰۰ غرفه خارجی نمایشگاه تهران، مربوط به شرکت های آلمانی بود و بدین ترتیب آلمان در میان ۵۱ کشور خارجی شرکت کننده، مقام نخست را کسب کرد. این مقاله تعداد دیویست شرکت خصوصی ایرانی شرکت کننده در نمایشگاه را در مقایسه با دو هزار شرکت وابسته به سی وزارتخانه و سازمان دولتی، اندک می داند.

مقاله مزبور سپس به مشکلات پرداخت های خارجی ایران در سال گذشته می پردازد و از جمله، از عدم تسویه حساب به موقع بدی های کوتاه مدت (بیزانسن) به خاطر کمبود درآمد های ارزی جمهوری اسلامی نام می برد و می نویسد حتی در دوره جنگ با عراق، چنین تاخیری برای کشوری که همواره توجه زیادی به اجرای تعهدات مالی خود داشت، پیش نیامد. در ادامه مقاله آمده است ایران در نتیجه این مشکلات، حجم سفارش های خارجی را به شدت کاهش داد. این مشکلات پس از یک سال هنوز ادامه دارد و احتمالاً اوضاع در اواسط سال آینده "عادی" خواهد شد، یعنی بین درآمد های ارزی و تعهدات مالی ایران موازنه برقرار خواهد گردید. به نوشته رئیس اتاق بازرگانی ایران و آلمان، این موازنه در سطح بسیار نازل تری در مقایسه با گذشته خواهد بود. به عنوان نمونه، در سال ۱۳۷۱ واردات ایران ۴۰ درصد کاهش به همین میزان کاهش یافت.

رئیس اتاق بازرگانی ایران و آلمان پیش بینی کرده است در نوزدهمین نمایشگاه بین المللی تهران که در مهرماه برگزار می شود، میزان مشارکت آلمانی ها به بالاترین حد نصاب خود نرسد. یک مقاله دیگر، به کاهش درآمد نفتی ایران می پردازد و می نویسد در سال ۱۳۷۱، حجم ارزش صادرات نفت و گاز ایران به حد پیش بینی شده نرسید. این مقاله، حجم درآمد نفتی سال ۱۳۷۱ را حدود ۱۴ او ارزش صادرات غیرنفتی را حدود ۳ میلیارد دلار برآورد کرده است. این مقاله می افزاید در حالی که قرار بود در این سال ۲۱ میلیارد دلار کالا وارد ایران شود، این رقم به ۱۷ میلیارد دلار کاهش یافت.

به نوشته "زود دویدجه"، در ماه ۲۴۰ تولید نفت او یک بالغ بر ۲۴/۲ میلیون بشکه در روز بود که نسبت به ماه قبل از آن، افزایش اندکی نشان می داد و ۶۰ هزار سهم است) برای خرید مجموع سهمیه های کشورهای عضو بود. بیشترین اضافه تولید در مقایسه با سهمیه رسمی را ایران با ۲۳۰ هزار بشکه در روز تولید اضافی داشته است و پس از ایران، نیجریه با ۱۲۰ هزار کوبت با صد هزار عراق با صد هزار بشکه در روز بیش از سهمیه خود تولید کرده اند. ایران در آوریل ۱۹۹۳ به مقدار ۲/۷۳۳ میلیون بشکه در روز نفت صادر کرده و بدین ترتیب، کمتر از ماه های فوریه و مارس و مقداری در حدود ماه ژانویه فروش داشته است. این مقاله مقدار مصرفی بالای یاشگاه های ایران را ۸۷۰ هزار بشکه در روز برآورد میکند و در نتیجه، به مقدار ۳/۶ میلیون بشکه در روز برای کل تولید ایران می رسد. در حالی که این رقم، بیش از سهمیه ایران است، آقا زاده وزیر نفت ایران مدعی است که جمهوری اسلامی از سهمیه خود تجاوز نکرده است.

کتاب

ادامه از صفحه ۵

یکایک شما برسانم. رفتار من هنوز هم چنان است که گویی دو چشم بینا دارم. من هنوز هم کتاب می خرم و همچنان خانه خویش را از آنها می نبارم، حضور فرهنگنامه ۲۰ جلدی بروک هاوس را که چندی پیش هدیه گرفته ام، در خانه خویش به خوبی حس می کنم و آنها را نوعی نیکی ختمی می بینم، گرچه نه با خط گوتیک آشنایی دارم و نه کارتها و نشانه ها را می توانم ببینم. در واقع من در کتاب نوعی نیروی کششی دوستانه احساس می کنم.

این روزها از زوال و محور کتاب سخن گفته می شود، امری که بنظر من محال می نماید، شاید پرسیده شود که چه تفاوتی میان یک کتاب با یک نشریه و یا یک صفحه موسیقی وجود دارد. تفاوت آنجاست که انسان نشریه را می خواند تا به فراموشی اش سپارد، و نیز صفحه موسیقی را می شنود تا آن را از یاد ببرد لیکن کتاب را می خواند تا در حافظه اش جای دهد.

اصطلاح کتاب مقدس که به قرآن، انجیل و یاودا (کتاب مقدس هندوها) اطلاق می شود، گیرم که مربوط به روزگار گذشته باشد، لیکن کتاب هنوز هم از تقدسی گرانمایه برخوردار است. بر ماست که در پاسداری این قداسد بکوشیم. با دست گرفتن کتاب و گشودن آن نوعی تجربه ولذت زیباشناسانه فراهم می آید. بر آستی واژه های درون کتاب، این سبملها و نهاد های بیجان، چه هستند؟ اگر مجرد بنگریم هیچ چیز، کتابی که ما نگشایم چه ارزشی دارد؟ بازم هیچ، تنها مکعبی است از چرم و اوراق، لیکن زمانی که آن را بخوانیم چیزی نادری رخ می دهد که همان دگرگون شدن در نگاه ماست. هر ا کلیت گفت که در یک آب روان نمی توان دیوار شنا کرد، زیرا آبی که با راول در آن شنا می کنیم، بلافاصله با آب دیگری جایگزین می شود. اما فراتر از آب روان خود ما نیز بیوسته در حال تغییر و تحویلیم. این روست که یک کتاب را همراه با من خواهد رفت. به درک و برداشت متفاوتی از آن می رسمیم و رابطه واژه های آن نیز در نظر ما دستخوش تغییر می گردد. علاوه بر آن کتابها با هربار خواندن به حاملین گذشته تبدیل می شوند. من بر علیه نقد سخن گفتم و حالا می خواهم بر علیه این سخن خود نیز چند کلامی بگویم. هاملت اینک دقیقاً همان هاملتی که شکسپیر در آغاز سده هفدهم طرحش را در افکند، نیست. این کتاب اینک دیگر به کاردیگس، گوته و بردلی نیز تعلق دارد. به دیگر سخن با نقدهای ایشان هاملت دوباره زاده شده است. این قضیه در مورد دون کیشوت، لوگوش و مارتیس استرادا نیز صادق است. مارتین فین نیز دیگر آن کتاب آغازین نیست. کوتاه سخن آنکه خوانندگان و نقادان کتابها را پیوسته غنی تر کرده اند.

انسان با خواندن یک کتاب کهنه گویی که تمامی تاریخ پس از نگارش آن کتاب را مطالعه می کند؛ از اینرو، شایسته است که قداسد کتاب را همچنان پاس بداریم. گیرم که کتاب پرازنکا ناشناخته و اسرار آمیز باشد و یا ما نظری متفاوت از نویسنده آن داشته باشیم، با اینهمه هنوز هم چیزی مقدس و یاب عبارتی چیزی خدایی را با خود حمل می کند؛ مقدس نه در مفهوم روحانی و متعصبانه آن، بلکه بدان معنا که ما در کتاب، یافتن سعادت و دانایی را آرزوی کنیم.

من منتنی مطالعه متعهدانه را حرف پوچ و نادستی می داند. او می گوید که هر گاه در کتابی به فصل دشواری بر می خورد، کتاب را به کناری می زند؛ زیرا مطالعه باید دشوار و نفس گیر. به یاد دارم که چندین سال پیش در باره جوهر و ضرورت وجود نقاشی یک همه پرسشی انجام گرفت. خواهر من در پاسخ گفت که نقاشی هنری است که بوسیله اشکال و رنگها سرور و شادی را اشاعه می دهد. برای من نیز ادبیات گونه ای از شادی و سرور است. اگر خواندن یک اثر یارنج و دشواری همراه باشد، باید گفت که نویسنده آن شکست خورده است. از همین رومن برآیم که جیمز جویس (نویسنده ایرلندی. م) در اکثر آثار خویش ناموفق است، چرا که خواندن آنها نفس گیر و تاب رباست. کتاب نباید خواننده را به رنج و شکنج اندازد، یا به گفته دیگر نیکی ختمی نباید از دشواری و سختی برآید. بز این پایه می توان گفت که سخن مونتنی بر بی معنا نیست. منتها باید توجه داشت که از نظر مونتنی هم معنایی کتاب یا سعادت تنها در نوعی لذت ابهام آموذرمی گردد.

امرسون اما، که نوشته های وی نیز درباره کتاب درخور اعتنا و شایان توجه اند، نظرد دیگری دارد. به گفته او کتابخانه ها به اتاقکهای سحر آمیزی می مانند که در آنها بهترین اندیشه های انسان قادر به جادوگرند، اما پیش از آن، کلام ما باید آنها را از لایه لایه بی در آورد. به گفته دیگر ما باید کتابها را بکشاییم تا آنها بیدار شوند. به نظر امرسون می توان کتابخانه ها را با اجتماع بهترین مغزهای انسانی همترانژاد، لیکن ما معمولاً خواندن تفاسیر و نقاد های مربوط به این مغزها (کتابها) را نسبت به پرس و جو از خود آنها ترجیح می دهیم. من در مدت بیست سالی که پرفسور ادبیات انگلیسی در دانشکده علوم انسانی دانشگاه بوینوس آیرس بودم، پیوسته به دانشجویان توصیه می کردم که بجای خواندن کتابنامه ها و نقدها، خود کتابها را بخوانند. شاید از این کار چیز کمتری دستگیر انسان شود، بوینوس آیرس در دهه های اخیر یک کتاب گفتمان و برترین شناسه ای یک کتاب ندادی نویسنده است که از لا بلائی آن فراگوش می رسد.

من بعنوان انسانی که بخشی از زندگی خود را صرف ادبیات کرده است، مطالعه را نوعی نیکی ختمی می دانم. نوع دیگری از نیکی ختمی، البته با عبارتی کمتر، آفرینش شاعرانه و یا به عبارتی در آمیزی فراموش شده ها و یادمانهای از آنچه که خوانده ایم، می باشد. امرسون و مونتنی در خواندن آثار صرفاً روح بخش و نیز در این باره که کتاب نوعی از نیکی ختمی است همدستانند. ما چیزهای بسیاری را و مدار ادبیات هستیم. من معمولاً بجای جستجو برای یافتن کتاب ویا نوشته ای نو، به دوباره خوانی متن ها و کتابهایم پردازم. در واقع من بر آنم که دوباره خوانی یک اثر مهمتر از مطالعه اولین باره آن است؛ بگذریم از اینکه نخست باید چیزی را مطالعه کرد تا بعد بتوان دوباره آن را بازخوانی نمود. من هوادار آکیش کتاب (کتاب پرستی) هستم. این کلام من شاید طنزینی گزافگونه داشته باشد، لیکن شما آن را نه اینچنین، بلکه بمثابه پیامی اعتماد بخش بشنویید. من میل دارم که این پیام را نه به جمع شما، بلکه به

برگردان ح بیهاد

خبرها و نظرها

پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدایی

نشریه اتحاد کار گزارش آخرین اجلاس کمیته مرکزی این سازمان را منتشر نموده است. در این پلنوم تاریخ برگزاری کنگره این سازمان و مسأله وحدت مابین این سازمان و سازمانهای راه کارگرو شورایی مورد بررسی قرار گرفته است. پلنوم با سخنرانی به سوالات زیر رادرد دستور قرارداد. سؤال اول آنکه آیا با توجه به موانعی که راه وحدت ایجاد شده است، تلاش در این راه صحیح بوده و باید آنرا ادامه داد و یا همانند اکثریت رهبری سازمان راه کارگر به این نتیجه رسید که وحدت ناممکن است. سؤال دیگر آنکه چه روشی میبایست در قبال شورایی و عناصری که از وحدت دفاع می کنند اتخاذ گردد و همچنین روش این سازمان در رابطه با اقلیت سازمان راه کارگر که از وحدت دفاع می کنند چه باشد و آیا باید از انشعاب در این سازمان و وحدت با اقلیت این سازمان حمایت شود؟ در گزارش آمده است که گام گذاشتن در راه وحدت صحیح بوده و هنوز هم بنظر کمیته مرکزی این سازمان علیرغم وجود اختلافات، سه جریان فوق الذکر می توانند سازمان واحدی را تشکیل دهند و

اختلاف بین سلطنت طلبان

در پی اوج گیری اختلافات مابین جناحهای مختلف سلطنت طلبان و قدرت گیری گرایش های متفاوت در شاخه های آمریکا و اروپای این جریان، ماه گذشته اجلاس از نمایندگان شاخه های آمریکا و کانادا بدون حضور نمایندگان سازمانهای اروپا برگزار گردید. اخیراً آقای علی یمنی از سوی شاخه های اروپای سازمان مشروطه خواهان به آمریکا سفر کرده و در واشنگتن با آقای خسرو اکمل نماینده شاخه های آمریکا و کانادا ملاقات و گفتگو کرد. در این دیدار طرفین توافق نمودند که اجلاس مشترکی ما بین نمایندگان شاخه های اروپا و آمریکا با شرکت

حزب دموکراتیک مردم ایران: طرح یک منشور برای چپ

سیاست و مبارزه اجتماعی را هر چه دشوار تر و ناممکن تر سازد. در رابطه با اصول و اهداف سیاسی آمده است که این اصول عبارتند از وحدت در تنوع، حفظ و تعمیق حقوق و آزادیهای فردی، مردم سالاری، دفاع از حقوق اقلیت ها، همبستگی و عدالت اجتماعی، نفی مرد سالاری، نفی خشونت، میهن دوستی و توسعه همه جانبه، صلح طلبی، همبستگی و عدالت جهانی و حفظ محیط زیست.

در این رابطه نوشته شده است که "ما خواهان تأمین بدون قید و شرط حقوق و آزادیهای فردی در تطابق با منشور حقوق بشر سازمان ملل هستیم. تلاش برای تأمین حقوق و آزادیهای فردی از یک سو مبارزه از سیاسی - اجتماعی برای کنترل و محدودیت دولت توسط نهادهای اجتماعی و آزادی سوسیالیستی را در بر می گیرد. . . . نظام مردم سالار و غیر متمرکز به معنای دموکراتیکه کردن شکل حکومتی و رژیم سیاسی اجتماعی و نه تضعیف و نابودی آن است. دولت مردم سالار قدرتمند است چرا که مشروعیت خود را قبل از هر چیز از نهادهای اجتماعی و نه از جبر دولتی اخذ می کند.

در رابطه با اقلیت های ملی در طرح آمده است "بایندی به حقوق بشر در ارتباط با اقلیت های ملی و مذهبی از جمله تضمین آزادی وجدان و دین، آزادی بیان به زبان مادری، آزادی تشکل و آزادی در حفظ رسوم و سنن خویش را در بر می گیرد. وفاداری به مردم سالاری ایجاد می کند که اقلیت های قومی - ملی در مناطق زیست خود بر اساس آرای محلی ارگانها و مسئولین منطقه ای را تعیین کنند و بر آنها نظارت داشته باشند.

در رابطه با عدالت اجتماعی در طرح آمده است "ما مبارزه برای تحقق و گسترش دموکراسی و تأمین آزادی ها را همواره با تلاش پیگیر و در راستای تأمین و گسترش عدالت اجتماعی و حمایت از حقوق محرومان همراه می سازیم. اولین و ضروری ترین گام در راه عدالت اجتماعی برقراری تأمین اجتماعی بمعنای ایجاد امکان برای بهره برداری همگان از حق داشتن حداقل درآمد، بهداشت، آموزش و دیگر نیازهای اولیه انسانی است. توزیع متناسب ثروت توسط سیاست های مالی - اقتصادی دولت از دیگر ارکان عدالت اجتماعی است.

نشریه راه آزادی در آخرین شماره خود طرحی را با عنوان "طرح یک منشور برای چپ" منتشر نمود. در توضیح این طرح گفته شده است که این طرح در کنگره این سازمان ارائه شده بود و انتشار آن در چارچوب بحث آزاد پیرامون هویت چپ و دیدگاههای نظری و فلسفه سیاسی اجتماعی آن با هدف پی ریزی یک منشور عمومی برای چنین نیروهایی صورت می گیرد.

رئوس مسائلی که در این طرح آمده اند عبارتند از: "انگیزه، راهنما و هدف حزب دموکراتیک مردم ایران آزادی انسان و گسترش حاکمیت وی بر سرنوشت خویش و رفاه و پیشرفت مادی و معنوی او در تفاهم و صلح با جامعه و طبیعت است. در رابطه با انسان آمده است که ما با قربانی کردن یکی از وجوه انسانی بنام وجوه دیگر و یا به هر نام دیگری به مخالفت بر می خیزیم و بر فردیت انسان تا کید داریم. در رابطه با انسان گرایی آمده است که ما برای پاسداری از مقام و حرمت انسان خواهان جامعه ای هستیم که در آن به شخصیت یگانه و با ارزش هر انسان احترام گذارده شود و از هر گونه تبعیض میان انسانها جلوگیری گردد، هر فردی از حداقل شرایط زندگی برخوردار بوده، از سد محدود کردن اندیشه و تخیل انسانها جلوگیری شود. افراد در تعیین سرنوشت اجتماع خویش سهم باشند. زن و مرد از امکانات و حقوق برابر برخوردار باشند، اختلافات و تضاد میان گروههای اجتماعی از راه مذاکره و توافق حل گردیده و اصول مندرج در منشور جهانی حقوق بشر جوهر و زیر بنای قانون اساسی باشد.

در ادامه طرح آمده است که تضمین و تأمین همزمان منافع اجتماعی و حقوق و آزادیهای فردی و قربانی نکردن یکی بنام دیگری پیچیده ترین، حساس ترین و در عین حال مهمترین وظیفه است. اداره جامعه باید بگونه ای باشد که نیاز به دخالت دولت را به حداقل برساند. اصل در اداره جامعه باید بر واگذاری اختیارات به نهادهای اجتماعی و نهادهای سیاسی محلی تا حد ممکن و به عهده گیری وظایف از طرف دولت تنها در حد ضرورت باشد.

در ادامه طرح نوشته شده است هرگز نمی توان از راه های غیر انسانی به اهداف انسانی دست یافت و از این رو چه در درون حزب خویش و چه در اجتماع در راستای استقرار چنان ساختارهایی تلاش می کنیم که شیوه های غیر انسانی و نامردمی

ژرژ مارش از رهبری حزب کمونیست فرانسه کناره می رود

ژرژ مارش دبیر کل حزب کمونیست فرانسه اعلام کرد در کنگره حزب که در ماه ژانویه ۱۹۹۴ برگزار خواهد شد، دیگر کاندیدا توری برای مقام دبیر کل حزب را نخواهد پذیرفت. مارش در سال ۱۹۷۲ به جای والد ک روشه رهبر پیشین حزب کمونیست که به علت بیماری از مقام خود کناره گرفت، به دبیر کلی برگزیده شد. آغاز دوره مسئولیت مارش، مصادف با شرایط پیچیده پس از ورود نیروهای پیمان ورشو به چکسلواکی بود که به کمونیست های فرانسه مانند کمونیست های سایر کشورهای اروپای غربی لطماتی وارد کرد. مارش نه تنها توانست وحدت حزب کمونیست را حفظ کند، بلکه همچنین فعالیت های موفقیت آمیزی در دستیابی به برنامه مشترک با حزب سوسیالیست جدید التاسیس فرانسه به رهبری فرانسوا میتران داشت. وقتی سوسیالیستها در سال ۱۹۸۷ به مواضع راست در غلطیدند، حزب کمونیست به رهبری مارش به اتحاد با حزب سوسیالیست پایان داد اما پس از آنکه نیروهای چپ در سال ۱۹۸۱ در انتخابات ریاست جمهوری پیروز شدند، کمونیست ها در ائتلاف با سوسیالیست ها دولت جدید را تشکیل دادند. این بار نیز اتحاد دویتریو چپ، سه سال بیشتر دوام نیاورد و در سال ۱۹۸۴، کمونیستها به صفوف اپوزیسیون باز گذاشت.

دهها هزار نفر در زلزله ... ادامه از صفحه ۱

منجر می شوند، زلزله هایی مانند زمین لرزه اخیر هند، دارای مراکز در سطح زمین اند و به فاجعه های بزرگتری می انجامند. آنچه بر ابعاد فاجعه افزوده است، تراکم جمعیت در منطقه غرب هند و استان و ساختمان ابتدایی منازل روستایی است. در روستاهای ویران شده، دیوارها گلی و سقف ها متشکل از تخته سنگ های متعددند. زلزله سطحی، دیوارها را متلاشی کرد و سنگ ها بر سر مردمی که زیر سقف خوابیده بودند، فرود آمد. زلزله هند، تا حدودی تحت الشعاع رویدادهای سیاسی هفته های اخیر جهان قرار گرفته است. به نظر می رسد واکنش جهان در قیاس با ابعاد فاجعه ای که سی هزار نفر را کشته و صدها هزار تن را بی خانمان کرده است، با نوعی بی تفاوتی همراه است. این بی تفاوتی را به ویژه در نحوه گزارشدهی رسانه های غربی می توان دید که اگر چه اخبار مربوط به زلزله را بخش می کنند، اما به آن به هیچ وجه اهمیتی درخور فاجعه ای بدین گستردگی نمی دهند.

کمک های مالی خارجی شد. در روزهای پس از زمین لرزه، باران شدید مناطق شبه حاره، جستجوی قربانیان زلزله را با دشواری جدی مواجه کرد. به علت خطر شیوع بیماری های واگیردار، ارتش هند بخش مهمی از عملیات خود را بر رساندن مواد سوختی و هیزم برای سوزاندن اجساد مطابق سنن هند و متمرکز کرده است. با این حال، بسیاری از اجساد که از زیر آوار بیرون آورده شده اند، در منطقه پراکنده اند و احتمال شیوع بیماری های عفونی زیاد است. غرب هند منطقه زلزله خیزی محسوب نمی شود. معمولاً شمال هندوستان است که می لرزد. در پای رشته کوه هیمالا یا، در امتداد یک گسل اصلی پوسته زمین، زمین لرزه های متعددی روی داده است. اما زلزله در غرب هند، به علت تنش های افقی در خود فلات هند است. زمین لرزه های افقی بسیار مخرب اند. در حالی که زلزله های عمیق، مرکزی در ژرفای صدالی هفتصد کیلومتری زمین دارند و از این رو، به تلفات و خسارات کمتری

با اشتراك «کار» ما را در پیشبرد وظایفمان یاری رسانید

<p>فرم اشتراك</p> <p>برای اشتراك نشریه کار، فرم زیر را پر کرده، به آدرس نشریه کار ارسال نمایند</p> <p>مایلیم نشریه کار را برای مدت شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال <input type="checkbox"/> مشترک شوم. معادل</p> <p>بهای اشتراك بصورت حواله بانکی <input type="checkbox"/> تمبر پستی <input type="checkbox"/> همراه نامه است</p> <p>آدرس: _____ (لطفاً خوانا بنویسید)</p> <p>Name: _____</p> <p>Address: _____</p>	<p>بهای اشتراك نشریه کار</p> <table border="1"> <tr> <td>یکساله</td> <td>شش ماهه</td> <td>اروپا</td> </tr> <tr> <td>۹۰ مارک</td> <td>۴۵ مارک</td> <td>سایر کشورها</td> </tr> <tr> <td></td> <td></td> <td>۵۲ مارک</td> </tr> <tr> <td></td> <td></td> <td>۱۰۴ مارک</td> </tr> </table> <p>مطالبی که با امضا فردی در کار درج می شود، لزوماً بیانگر موضع و نظر نشریه نیست.</p>	یکساله	شش ماهه	اروپا	۹۰ مارک	۴۵ مارک	سایر کشورها			۵۲ مارک			۱۰۴ مارک	<p>ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)</p> <p>حساب بانکی: M.ABD NR.35263011 کد بانک: 37050198 Stadtsparkasse Köln GERMANY</p> <p>آدرس: Ruzbeh Postfach 1810 52020 Aachen GERMANY</p> <p>fax: 00 49 - 221 - 3318290</p>
یکساله	شش ماهه	اروپا												
۹۰ مارک	۴۵ مارک	سایر کشورها												
		۵۲ مارک												
		۱۰۴ مارک												

کشتار و انتقام جویی در سوماتی

خشونت و کشتار در سوماتی بالا میگیرد. سربازان سازمان ملل متحد که به نام نجات مردم سوماتی از قحطی و گرسنگی پای در این سرزمین گذاشتند، اینکه به جنگ با مردم این کشور کشیده شده اند. خانم رقیه عمر حقوقدان و نماینده سازمان "حقوق آفریقایی ها" در لندن در مصاحبه ای با اسپیکل، هفته نامه مشهور آلمانی زبان - گوشه های از اقدامات سازمان ملل در سوماتی را بر شمرده است:

اسپیکل: بیشتر سوماتیایی ها سربازان سازمان ملل متحد را دیکر نه بعنوان نیروهای کمک کننده بلکه بیشتر به چشم نیروهای اشغالگر می نگرند. آیا آنها بحق نیروهای سازمان ملل را به شکنجه و قتل متهم می کنند؟

خانم عمر: پلی روحیه ها عوض شده اند، زیرا هلی کوپترهای سازمان ملل بدون ملاحظه مردم غیر نظامی مناطق را به موشک می بندند. سربازان سازمان ملل بلافاصله افراد مظنون را زیر آتش می گیرند و به سوماتیاییها بدون ملاحظه تهمین می کنند و یا آنها را کتک می زنند. ما طی دو گزارش جداگانه موارد عده نقض حقوق بشر را گزارش کرده ایم. اسپیکل: چطور شد کار به اینجا کشید؟

خانم عمر: به نیروهای سازمان ملل چنین افاء شده که هر سوماتیایی یک دشمن بالقوه است. این مسئله یک احساس من و تویی ایجاد کرده است. نیت غالب واحدهای سازمان ملل دیگر خدمات انسانی نیست بلکه تلاش در این راه است که از قربانی بیشتر ممانعت بعمل آورند. اسپیکل: یعنی به عبارت روشن تر بهتر آنست که یک عده سوماتیایی کشته شوند تا یک سرباز سازمان ملل.

خانم عمر: طبعاً قابل درک است که سیاستمداران درواشنگتن، بروکسل و بن آرزوی بازگشت تابوت ها از سوماتی را ندارند. اما نیروهای این کشورها در قبال سوماتیاییها بشدت دشمنانه رفتار می کنند حتی اگر هیچ موردی هم برای اینکارشان نباشد. اسپیکل: شاید نیروهای سازمان ملل خیلی کم سوماتیاییها را می شناسند؟

خانم عمر: نیروهای سازمان ملل ارتباط خیلی کمی با سوماتیاییها دارند. برای نمونه وقتی یکی از همکاران ما برای یکی از فرماندهان

هفته گذشته برای نخستین بار پس از امضای قرارداد خودمختاری غزه - اریخا بین یاسر عرفات رئیس کمیته اجرایی سازمان آزاد بخش فلسطین (ساف) و اسحاق رابین نخست وزیر اسرائیل، این دودر قاهره و با حضور حسنی مبارک رئیس جمهور مصر با یکدیگر ملاقات کردند تا درباره چگونگی اجرای قرار داد واشنگتن، گفتگو کنند. از جمله موضوعات مذاکره میان عرفات و رابین، تعیین هیات های نمایندگی

برای گفتگو درباره مسائل از قبیل بیت المقدس شرقی بود. قرار است ساکنان بخش عرب نشین شرق بیت المقدس در انتخابات برای تعیین حکومت موقت خود مختار شرکت کنند. یکی از مسائلی که در هفته های اخیر به بروز نخستین اختلافات در تفسیر قرارداد واشنگتن انجامید، این بود که عرفات در اظهارات رسمی و غیر رسمی خود، پیوسته از حکومت خود مختار آینده به عنوان

بی نظیر بو توبه قدرت بازمی گردد؟

ادامه از صفحه ۱۲ دانست. وی گفت برگزار کنندگان انتخابات برای بسیاری از طرفداران حزب مردم و بویژه زنان، کارت شناسایی صادر نکرده اند و از این رو، بسیاری از کسانی که می خواستند به حزب مردم رای دهند، از شرکت در انتخابات بازماندند. در انتخابات هفته گذشته برای نخستین بار، داشتن کارت شناسایی شرط شرکت در انتخابات بود. تا پیش از این، سند ازدواج نیز می توانست برگ هویت لازم برای دادن رای به شمار آید.

در پاکستان رسم است که مردان به جای همسران خود نیز رای می دهند. از آنجا که طبق قوانین اسلامی، شناسنامه های زنان فاقد عکس اند، فروش شناسنامه ها در آستانه انتخابات بسیار معمول است. احزاب و نامزدهای انتخاباتی به معمولاً از زمین داران و سرمایه داران اند، در ازای مبالغ ناچیزی شناسنامه های زنان را از شوهران آنها می خرید تا در روز انتخابات بتوانند آرای بیشتری به نفع خود به صندوق ها بریزند. بر این نکته، این رانیز باید افزود که بسیاری از زنان در پاکستان فاقد شناسنامه اند، به این علت که شوهران آنها در انتخابات قبلی شناسنامه آنها را فروخته اند و یا اصلاً هرگز شناسنامه نداشته اند. قبل از برگزاری انتخابات هفته گذشته، کمیسیون انتخابات به مدت چند ماه مشغول اعزام هیات های به اطراف کشور برای ثبت نام و صدور شناسنامه برای مردم بود.

نتیجه انتخابات چهاردهم مهر، سر نوشت حکومت آینده همسایه

گر جستان هم به جامعه کشورهای

مشترک المنافع می پیوندد

ادوارد شوارز ناده، رئیس شورای دولتی گرجستان پس از دیدار با روسای جمهور دو کشور دیگر قفقاز، تمایل خود را مبنی بر پیوستن به جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع اعلام کرد. به نظر می رسد این تصمیم شوارز ناده با توجه به شرایط سختی که این کشور در آن به سر می برد، اتخاذ شده باشد.

گرجستان در وضعیتی بسیار بحرانی قرار دارد. بیش از یک سال از آغاز جنگ جدائی طلبان آبخازستان علیه تفلیس می گذرد. در این میان بر اساس گزارش خبرگزاریها شورشیان آبخاز تقریباً تمامی بخش های این جمهوری خود مختار سابق واقع در غرب گرجستان را به تصرف در آورده اند. نقطه عطف این جنگ تسخیر سوخومی بود. با این پیروزی راه جدائی طلبان آبخاز در بدست آوردن کنترل تمامی این پهنه گشوده شد. دهها هزار گرجی خانه و کاشانه خود را از دست داده و آواره گوه و دشت و بیابان شده اند. این اما تنها جبهه ای نیست که شوارز ناده را

۳ خبرنگار در

حوادث مسکو کشته شدند

با درگذشت ایوان اسکوپان فیلم بردار فرانسوی تعداد خبرنگارانی که در راه تهیه گزارش خبری از جریان ناآرامیهای اخیر مسکو، پایتخت روسیه جان خود را از دست دادند، به سه تن رسید. ایوان تاسکوپان که برای فرستنده تلویزیونی TFI کار میکرد، روز سه شنبه ۱۳ مهرماه برابر با ۱۵ کتبر در نتیجه جراحات سنگینی که در جریان فیلم برداری از نبرد برای تسخیر استان کنکو، ایستگاه تلویزیون مرکزی مسکو برداشته بود، در بیمارستانی در پاریس جان سپرد.

پیش از آن روزی یک فیلم بردار انگلیسی نیز در جریان درگیری های نظامی با هدف تصرف استان کنکو جان داده بود. این خبرنگار ۳۶ ساله برای فرستنده های تلویزیونی BBC انگلیس و ARD آلمان کار میکرد.

نخستین دیدار رسمی عرفات و رابین

دولت موقت فلسطینی نام برده است در حالی که دولت رابین می گوید این نهاد، تنها یک ارگان خود مختاری خواهد بود و نه بیشتر. یکی دیگر از مسائل مورد اختلاف، این است که ارتش اسرائیل در مناطق اشغالی کماکان علیه فلسطینی ها اقدام می کند و هدف عملیات نظامی اسرائیلی ها نه تنها طرفداران گروه بنیاد گرای حماس، بلکه همچنین گروه الفتح به رهبری یاسر عرفات است. اختلاف دیگر، مربوط به

سرکوب خونین مخالفین یلتسین توسط ارتش روسیه

ادامه از صفحه ۱۲ مخالفان را تحریک کنند. از سوی دیگر، اپوزیسیون نیز که با شکست حلقه محاصره بدور پارلمان، نسبت به قدرت خود دچار توهم شده بود، به یک ساختمان شهرداری مسکو، ایستگاه رادیو تلویزیون سراسری جامعه مشترک المنافع و ساختمان خبرگزاری ایتر-تاس یورش برد و برای چند ساعت این اماکن را به تصرف خود در آورد. الکساندر روتسکوی از بالکن ساختمان پارلمان، مخالفان را به براندازی یلتسین فراخواند. تلویزیون جامعه مشترک المنافع که در دست طرفداران یلتسین است، به مدت چند ساعت برنامه های خود را قطع کرد تا مخالفان نتوانند از شبکه اول تلویزیون برای اعلام سقوط حکومت یلتسین استفاده کنند. خود یلتسین تنها در شامگاه یکشنبه یازدهم مهر، یعنی چندین ساعت پس از آغاز درگیری های مسلحانه بود که به کرملین بازگشت و رهبری سرکوب مخالفان را بر عهده گرفت. نیروهای مسلح وفادار به یلتسین، از اطراف مسکو به داخل شهر آورده شدند و نخست تا ناک و توپ، ساختمانهای تلویزیون و خبرگزاری ها را از مخالفان پس گرفتند. در زد و خورد های اطراف ایستگاه شبکه اول تلویزیون مسکو، حداقل ۲۴ نفر کشته شدند.

در نخستین ساعات صبح دوشنبه دوازدهم مهرماه، حمله به مقر پارلمان آغاز شد. ده تانک - شلیک به سوی ساختمان شورای عالی را که مدافعان آن تنها به سلاحهای سبک مجهز بودند، آغاز کردند. واحدهای ویژه چتر باز وفادار به یلتسین، نخست چهار طبقه از عمارت ۱۹ طبقه پارلمان را اشغال کردند. توپ های سنگین تانک های مهاجم، خسارات سنگینی به ساختمان پارلمان وارد کردند و چند طبقه از این ساختمان را به آتش کشیدند. نمای سفید ساختمان پارلمان، از نیمه به بالا سیاه شد و حفره های بزرگی در دیوارهای بیرونی عمارت شورای عالی به وجود آمد.

علیرغم خشونت بی حد و مرز نیروهای دولتی در حمله به پارلمان، هزاران تن از مخالفان یلتسین کماکان به تظاهرات در اطراف مقر پارلمان ادامه می دادند. جمعیت با شعار "همه قدرت به شوراها" و "یلتسین قاتل است" و "زنده باد اتحاد شوروی" بدون داشتن سلاح در برابر پیشروی تانک ها صف زنجیر ایجاد کرده بودند. اما با تشدید تیراندازی متقابل، بسیاری از مردم کشته شده و صفت تظاهرات به عقب رانده شد.

گفته می شود در درگیری های دوشنبه هفته گذشته در ساختمان اطراف آن، صدها تن کشته شده اند. همزمان با حمله به پارلمان، دیوان عالی کشور روسیه تشکیل جلسه داد تا در مورد این یورش دآوری کند. حکم دیوان عالی کشور اعلام شد، اما این امر که یلتسین روز سه شنبه هفته گذشته اعلام کرد که این دادگاه که توسط خود او

تعداد نفرات پلیس فلسطینی است که قرار است تا فروردین ماه آینده در غزه و اریخا برقراری نظم و آرامش را بر عهده گیرند. در حالی که اسرائیلی ها نمی خواهند تعداد این افراد از ۶ هزار نفر تجاوز کند، عرفات مایل است یک نیروی فلسطینی سی هزار نفری، مجهز به هلی کوپتر و زره پوش تشکیل شود. قرار است نیمی از این نیرو از ساکنان مناطق اشغالی و نیمی دیگر، از فلسطینی های ساکن کشورهای عرب همسایه باشد.

تشکیل شده بود، به کلی منحل خواهد شد، نشان میدهد که قضات دیوان عالی کشور نظر مساعدی نسبت به یلتسین و کودتای او ندارند. علاوه بر اعلام انحلال دیوان عالی کشور، در روز سه شنبه هفته گذشته دادستان کل روسیه و فرمانداران دو منطقه از این کشور توسط یلتسین برکنار شدند. همچنین پارلمان شهر مسکو توسط شهردار پایتخت منحل گردید و اعلام شد همه پارلمانیهای محلی که علیه یلتسین موضع گرفته اند، منحل خواهند شد. علاوه بر این یلتسین اعلام کرد کلیه احزاب مخالف خود را ممنوع خواهد کرد.

صبح روز دوشنبه دوازدهم مهرماه، یلتسین در نخستین موضع گیری خود پس از آغاز جنگ خیابانی در مسکو، طی یک سخنرانی تلویزیونی مدعی شد که کمونیست ها با تدارک قبلی دست به قیام مسلحانه زده اند و سربازان به پایتخت آمده اند تا "زنان و کودکان را نجات دهند. رئیس جمهور روسیه اعلام کرد رهبران اپوزیسیون تحت پیگرد بی رحمانه قرار خواهند گرفت.

نبرد بین مهاجمان و مدافعان پارلمان، ده ساعت به طول انجامید. عاقبت، عصر روز دوشنبه دوازدهم مهرماه، سیصد تن از نمایندگان کنگره و مدافعان باقی مانده پارلمان، تسلیم شدند. الکساندر روتسکوی رئیس جمهور منتخب پارلمان و روسلان خاسبولوف رئیس شورای عالی، توسط نیروهای دولتی بازداشت شده، به یکی از زندانهای مسکو انتقال یافتند. آنها پیش از تسلیم شدن، از دولت های جامعه اروپا برای خود تضمین جانی خواستند. وزیر خارجه جامعه اروپا که در بروکسل تشکیل جلسه داده بودند، سفیر بلژیک در روسیه را مامور تماس با دفتر یلتسین در این مورد کردند. به گفته ژاک پوس وزیر خارجه لوکزامبورگ، دفتر یلتسین قول داده است جان خاسبولوف و روتسکوی بدستمال تسلیم پارلمان، اقدامات وسیعی در جهت سرکوب دموکراسی در روسیه آغاز شد.

روزنامه ها و احزاب هدف مقدم این یورش بودند. فشار یلتسین برای انحلال پارلمانهای محلی تشدید شده است. وی خواستار آن شد که شوراهای شهرها و محلات در سراسر روسیه خود را منحل کنند و برای انتخابات ماه دسامبر آماده شوند. بسیاری از شوراهای محلی با خود انحلالی مخالفت کرده و در برابر آن مقاومت می کنند. اما بنظر می رسد که دیر یا زود همه این شوراهارا منحل خواهند کرد و عملاً ۴۰۰ اصلی سیستم سابق یعنی حزب کمونیست و شوراهای برای ادامه فعالیت خود، با دشواری های باز هم بزرگتری مواجه خواهند شد.

حکومت نظامی در مسکو که قرار بود تنها یک هفته ادامه یابد، تا ۱۷ دسامبر تمدید شده است و مسکو همچنان در زیر نیزه سربازان نفس می کشد.

سرکوب خونین مخالفین یلتسین توسط ارتش روسیه

بی نظیر بو توبه قدرت بازمی گردد؟

برگزار شد. غلام اسحاق خان که سه سال پیش، بی نظیر بوتورا از نخست وزیری برکنار کرده بود، در فروردین ماه جانشین اونواز شریف را نیز عزل کرد. اما با صدور رای دیوان عالی کشور پاکستان مبنی بر بی اعتبار بودن عزل نخست وزیر توسط رئیس جمهور، نواز شریف در مقام خود ابقا شد. با این حال مدت زیادی نگذشت که بحران سیاسی و کشمکش ها میان غلام اسحاق خان

در انتخابات هفته گذشته پارلمان پاکستان، بی نظیر بوتورا را س حزب مردم بر رقبای خود پیشی گرفت. در حالی که حزب مردم توانست ۸۶ کرسی از ۲۱۷ کرسی مجلس را به دست آورد، مهمترین رقیب این حزب یعنی مسلم لیگ به رهبری نواز شریف نخست وزیر سابق، نتوانست بیش از ۷۲ نماینده به پارلمان بفرستد. تقریباً یک چهارم کرسی های مجلس به احزاب محلی و



نمایندگان منفرد اختصاص یافته است. سرنوشت دولت آینده پاکستان، بسته به این است که این احزاب کوچک و نمایندگان مستقل، از چه کسی برای احراز مقام نخست وزیری حمایت کنند. بوتو پس از انتخابات، ضمن اعلام اینکه برنده انتخابات است، اظهار داشت که با تشکیل یک ائتلاف، ریاست دولت را بر عهده خواهد گرفت.

انتخابات پارلمانی پاکستان به علت بروز بحران قدرت و اختلاف میان غلام اسحاق خان و نواز شریف رئیس جمهور و نخست وزیر سابق

فرمان انحلال را صادر کرده بود. بدین ترتیب اگر یلتسین میخواست به روند تضعیف موضع خود پایان دهد، می بایست مخالفان را وادار می کرد دست به اعمال قهر بزنند.

چنین نیز شد. پس از زد و خورد های مستمر پلیس و مخالفان در اطراف پارلمان، در ظهر روز یکشنبه یازدهم مهرماه، مخالفان نخست بدون استفاده از اسلحه گرم حلقه محاصره پارلمان را از بیرون شکستند. تا این لحظه، نظاهر کنندگان علیه پلیس که به باتوم و سپر های فولادین مجهز بود، با میله های آهنین می جنگیدند. وقتی حلقه محاصره شکسته شد، افراد پلیس در حال عقب نشینی به تیراندازی هوایی و سپس تیراندازی مستقیم به سوی مردم مخالف یلتسین پرداختند. اما این تیراندازی، ابعاد گسترده ای نداشت و به نظر می رسد نیروهای دولتی تنها میخواهند

انحلال پارلمان را داشته باشد،

می کردند. بنابراین، یلتسین تصمیم گرفت کار مخالفان خود را یکسره کند.

آنچه این فرضیه را تایید می کند، این است که در اوج بحران، در روز شنبه دهم مهرماه، رئیس جمهور برای دوروز مسکورا ترک کرد. واحدهای پلیس مستقر در اطراف پارلمان در این روز و روز یکشنبه یازدهم مهرماه، اقدام به عقب نشینی گام به گام در برابر نظاهرات مخالفان نمودند. به نظر می رسد این عقب نشینی و خروج یلتسین از مسکو، نوعی دعوت و تحریک رادیکال ترین مخالفان به آمدن به صحنه بود. واقعیت این است که از لحاظ قانونی، یلتسین تا قبل از ورود اداهای یکشنبه یازدهم مهر، دستاویزی برای سرکوب قهر آمیز مخالفانش نداشت. این یلتسین بود که خود را مأمورای قانون اساسی قرار داده بود و بدون اینکه حق انحلال پارلمان را داشته باشد،

دیگری نیز وجود دارد. بنا بر این فرضیه، یلتسین ده روز پس از اعلام انحلال پارلمان شاهد این بود که موضعش در افکار عمومی، نهاد های دولتی و ارگانهای قدرت محلی خارج از مسکو هر روز ضعیف تر می شود. نه تنها والری زورکین رئیس دیوان عالی کشور، بلکه همچنین یک گردهمایی متشکل از ۶۲ منطقه و جمهوری از ۸۹ بخش تشکیل دهنده فدراسیون روسیه، به جانبداری از برگزاری همزمان انتخابات پارلمان و ریاست جمهوری برخاستند. شخصیت هایی مانند الکساندر یا کولف که معمولاً با یلتسین همراهی می کنند، خواستار انجام همزمان انتخابات پارلمان و ریاست جمهوری شدند. در چنین شرایطی، گذشت زمان به سود یلتسین عمل نمی کرد. خاصیت تف و روتسکوی هر روز فراخوانهای خود خطاب به مردم و نهاد های دولتی مبنی بر مقاومت در برابر یلتسین را تکرار

باریس یلتسین رئیس جمهور روسیه، کودتا خود علیه پارلمان را با سرکوب خونین مخالفان تکمیل کرد. در طی هفته دوم پس از صدور فرمان یلتسین دایر بر انحلال کنگره نمایندگان خلق و شورای عالی روسیه، مقاومت در برابر این فرمان گسترش یافت. نمایندگان پارلمان کماکان در مقر شورای عالی باقی ماندند. روسلان خاسبولاتف رئیس شورای عالی و الکساندر روتسکوی رئیس جمهور منتخب پارلمان، رهبری مخالفان را به دست گرفتند و خواهان برگزاری همزمان انتخابات ریاست جمهوری و پارلمان شدند. تعداد زیادی از مقامات و پارلمانی های محلی، علیه یلتسین موضع گرفتند و از انجام همزمان انتخابات ریاست جمهوری و پارلمان جانبداری کردند.

در مقابل، دولت یلتسین جریان برق و آب گرم و خطوط تلفن پارلمان را قطع کرد و کمربندی از نیروهای امنیتی بدور ساختمان سفید رنگ پارلمان مستقر نمود. این عمارت عظیم به مرکز مخالفان یلتسین تبدیل شد. در فضای عصبی و متشنج ایجاد شده در مسکو، مدافعان پارلمان مسلح شدند و اعلام کردند که در برابر هر گونه حمله به این ساختمان، تا آخرین گلوله مقاومت خواهند کرد.

در روزهای هشتم و نهم مهرماه، نخست این امید به وجود آمد که یلتسین میخواهد به محاصره پارلمان پایان دهد. یک سخنگوی یلتسین پس از دیدار او با اسقف اعظم مسکو اعلام کرد باریس یلتسین احتمالاً برای پایان دادن به جنگ قدرت، با رهبران پارلمان دیدار خواهد کرد. با اینکه یلتسین و مخالفانش در عالی ترین سطح ملاقات نکردند، اما نمایندگان خود را به صومعه ای در نزدیکی مسکو فرستادند تا در مورد حل و فصل بحران مذاکره کنند. قرار بود در ازای کاستن از سلاح های انباشته شده در پارلمان، به محاصره مقر پارلمان خاتمه داده شود. اما این توافق به عللی که هنوز نامعلوم است اجرا نشد و در روز نهم مهرماه محاصره ساختمان شورای عالی تنگ تر گردید.

یلتسین و همکارانش مدعی اند اپوزیسیون با تدارک قبلی قصد قیام مسلحانه داشت و از این رو به توافق خلع سلاح در برابر رفع محاصره تن نداد. اما در این مورد، فرضیه

آخرین حرف های رئیس پارلمان

روسلان خاسبولاتف رئیس پارلمان روسیه در آخرین دفاع قبلی از تسخیر کامل ساختمان پارلمان توسط نیروهای وفادار به یلتسین در زیر آتش توپخانه با یک خبرنگار ایتالیایی چائولو والینتونی می گوید این خبر که او به هوادارانش دستور داده است به مرکز تلویزیون و به شهرداری حمله و آن را تسخیر کنند کذب محض است.

روتسکوی و خاسبولاتف در آخرین دقیقه قبل از بازداشت خطاب به نماینده تلویزیون فرانسه تاکید کردند هیچ یک از رهبران مخالف دستوری برای حمله های مزبور نداده اند. آنها تاکید کردند به این کارها سازمان داده شده اند که طرفداری از ما تضعیف شود.

میخائیل گارباچف: نظر من

آنچه در زیر میخوانید نظر میخائیل سرگئیویچ گارباچف آخرین رئیس جمهور اتحاد شوروی است که در رابطه با حوادث چهارم اکتبر مسکو ابراز شده و در روزنامه (LaStampa) لا استمپا چاپ ایتالیا انتشار یافته است.

بدترین راه ممکن را پیش پای مردم روسیه قرار دادند. آنها برای پرزیدنت یلتسین فرصتی فراهم کردند که سبزی آنها را یک بار برای همیشه تمام کند.

مسئولیت عظیم دیگری بر دوش رئیس جمهور است. در چنین وضعیتی یکشنبه قطب های اصلی طغیان تقریباً خاموش شده بود، استانکینو (مرکز رادیو تلویزیون) دوباره پس گرفته شده (یا اصلاً از دست نرفته) بود. خبرگزاری اینترناس هم همینطور. تنها کاخ سفید باقی مانده بود که آنهم از نظر سیاسی و نظامی کاملاً منزوی شده بود. در چنین وضعیتی کاملاً امکان پذیر بود که راه حلی در نظر گرفته شود که متضمن خونریزی نباشد. هیچ دلیلی برای حادثه تر کردن مسائل و تلاش برای فتح ساختمان، عمیق تر کردن زخم و خونریزی بیشتر وجود نداشت.

ولی یلتسین به حمله نهایی دست زد. اونوعی از بیروزی را طلب می کرد که بهای سنگینی برای کشور، برای دموکراسی و برای اصلاحات در

برداشت.

قبل از هر چیز به این دلیل که ارتش مستقیماً در مرفعه دخالت داده شد، و سابقه خطرناکی را رقم زد که در آینده نتایج وخیمی برای دموکراسی و برای اصلاحات دربر خواهد داشت. جلوگیری از این وضع هم ممکن و هم ضرور بود. خطر اکنون در نیشه فتح نهفته است. این خطر چشم را بر روی دلایل واقعی و مسایل واقعی می بندد. مسائلی که هیچ ربطی به دعاوای ساختگی میان رئیس جمهور و پارلمان ندارد.

امروز در پرتو آنچه اتفاق افتاده حتی دلایل بیشتری فراهم شده است که در پاره مصالحه در کشور بیشتر تامل شود. جمهوری ها و مناطق و نواحی خود مختار باید فرا خوانده شوند که به عنوان حکومت وسیعاً مسئولیت بر عهده گیرند. آنها امروز تنها نهاد هایی هستند که قادرند با خطر تجزیه کشور مقابله کنند. امروز هر گونه اتوریته مرکزی عمیقاً وجداً بر اساس مصالحه مبتنی است. و تمام قدرت امروز غیر قانونی است. این بدان معناست که انتخابات زودرس ریاست جمهوری و پارلمان باید فوراً و بخصوص بطور همزمان برگزار گردد. فرصتی برای تلف کردن باقی نمانده است.



در مقابله مردم مخالف یلتسین با ارتش بیش از ۵۰۰ نفر کشته شدند

آمریکا بر حضور نظامی خود در سومالی می افزاید

دستگیری ژنرال عیدید. برای رسیدن به این هدف، ارتش آمریکا بارها با هلی کوپتر و استفاده از نیروهای زمینی، محلات مسکونی در مرگادیشو با یخت سومالی را زیر آتش گرفته است. در این عملیات، تاکنون صد ها نفر از مردم غیر نظامی مرگادیشو کشته شده اند. از سوی دیگر، ژنرال عیدید با تکیه بر احساسات ضد اشتغالگر مردم، توانسته است بر نفوذ خود به ویژه در جنوب سومالی بیافزاید. اکنون عیدید برای آمریکا یک صدام حسین جدید است که برای شکار او باید به قدرت نمایی پرداخت.

اما ماجرا جویبی نظامی دولت کلینتون، برخلاف لشکر کشی بوش برای برگرداندن امیر کویت به آن کشور، از حمایت مردم آمریکا برخوردار نیست. طبق یک نظر خواهی، هفتاد درصد آمریکایی ها خواهان فراخواندن نیروهای ایالات متحده از سومالی اند. در کنگره، بسیاری از نمایندگان، به ویژه از حزب جمهوریخواه، مخالفت خود را با خط مشی کلینتون مبنی بر افزایش حضور نظامی در سومالی اعلام کرده اند.

هفته گذشته بیل کلینتون رئیس جمهور آمریکا اعلام کرد این کشور حضور نظامی خود در سومالی را دو برابر خواهد کرد. در عین حال، دولت ایالات متحده به کنگره و افکار عمومی این کشور قول داده است که تا سال آینده نیروهای آمریکایی را از سومالی فرا خواهد خواند.

تصمیم کلینتون دایر بر افزایش حضور نظامی آمریکا در سومالی، بدنبال تشدید درگیری های نیروهای آمریکایی با طرفداران ژنرال عیدید رهبر شورشیان سومالی در مرگادیشو اتخاذ شد. طی هفته گذشته، چندین سرباز آمریکایی در این زد و خورد ها کشته شده اند و یک نظامی ایالات متحده به اسارت نیروهای عیدید درآمده است.

در حالی که نیروهای سازمان ملل واز جمله آمریکایی ها، نخست تحت عنوان رساندن کمک های انسانی به مردم سومالی وارد این کشور شدند، اکنون عملیات این نیروها در سومالی حالت یک جنگ تمام عیار را به خود گرفته است. آمریکایی ها برای اقدامات خود یک هدف نظامی مشخص اعلام کرده اند که عبارت است از

کشتار و انتقام جویی در سومالی

در صفحه ۱۱